



پیشرو

ارگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومله

دوره دوم - خرداد ۱۳۶۴ ۵۰ ریهال

در صفحات دیگر: صفحه

• سختی پیرامون

اختلافات درونی

۲۶ رژیم

• آموزشهای فنی

برای فعالیت

۲۷ مخفی

• گرامی یاد باد

۳۶ جانباختگان

سرمقاله

کارگران کردستان: آموزش طبقاتی در متن تحولات سیاسی

یکی از نتایج اجتناب ناپذیر ۶ سال حضور عملی و علمی حزب سوزواری در جنبش ملحدانه کردستان - که طی آن مدت زمان قابل توجهی تمام یابش های قابل ملاحظه ای از کردستان بمنابه مناطق آزاد شده عمل میکرده اند و احزاب سیاسی در وجوه مختلف حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، بر مبنای سیاستهای خود توانایی های شان دخالت میکرده اند - هویدا گشتن مقاصد واقعی، شیوه ها و سنن و سیاستهای حقیقی وی، علیرغم همه اظهارات رسمی - در انتظار جامعه بوده است؛ بطوریکه هر آدم زحمتکش صادق و شریفی بتواند با تجربه، مستقیم خوانده ماهیت وی بی یبرد.

اکنون مردم زحمتکش کمتر منطقه ای از کردستان را می توان یافت که پیرونده ای سنگین از جرایم بقیه در صفحه ۲

برای تشکیل شوراهای واقعی

گامهای مؤثر عملی برداریم

پس از یک سال از کنگره چهارم کومله میگذرد، در اوایل زمستان سال ۱۳۶۲ بود که کنگره چهارم در "قطعه مه در باره" سازماندهی حاکمیت انقلابی توده ها و وظایف کنونی ما" به فراخوان داد که: "به یک جنبش شورایی در کردستان باید ادامه داد و لروم تشکیل شوراهای واقعی روستایی مجمع عمومی منظم و سازمان یافته اهالی روستا باید وسیع در میان توده ها تبلیغ شود و برای ایجاد آتگاههای مؤثر بقیه در صفحه ۸

ترجمه پنجمین پیام کمیته مرکزی کومله

بهتاسیت

روز پیشمرگ کومله

کارگران و زحمتکشان!

توده های مردم کردستان!

رو ۳۱ خرداد، روز پیشمرگ کومله بر شما مردم زحمتکش و انقلابی کردستان گرامی باد. سالی دیگر بر زندگی مبارزاتی پیشمرگ کومله افزوده گشت؛ ۶ سال حیات مملو از فعالیت بی وقفه در جنبش کردستان ۶ سال مملو از مبارزه استوار در راه تأمین منافع زحمتکشان کردستان در راه ریشه کن بقیه در صفحه ۱۲

انتقادات تلاش برای جبران ورشکستگی؟

(نگاهی به انتقادات حزب دمکرات از شورای ملی مقاومت)

در صفحه ۱۷

کارگران جهان متحد شوید!

بقیه از صفحه ۱

کارگران کردستان:

.....

ارتكبابی حزب دمكرات عليه آنان - در صورتی كه در آن منطقه از حضوری مسلحانه برخوردار نبوده باشد - در سینه شان ثبت نشده باشد:

اعدام های مخفیانه و بدون محاکمه ای افراد اهالی، پراكندن جو و هشت و ربع در میان مردم، زور - گویی مرید و آشكاره مردم، ضدیت با آزادی عقیده، بیان و مرام سیاسی - از تفتیش و تحلیل عقیده گرفته تا شکنجه و ترور، با جگیری و اخاذی از مردم و معنای مختلف، اقدام مسلحانه در مقابل زحمتكشان مصادره كننده، زمین - اهانست و تحقیر روزمره، مردم، كشتار كمونیستها و كارگران انقلابی، و... تنها بخشی از سرفصل های این پرونده، سیاه هستند.

البته تلاش های وی برای همدستی با بورژوازی ایران علیه انقلاب و مردم زحمتكش، خود پرونده و تاریخچه، دیگری دارد:

مردم كردستان فراموش نخواهند كرد كه همین حزب دمكرات با جهش و رولعی آمادگی خود را برای همدستی با جمهوری اسلامی در همان سال ۵۸ نشان داد و بعد مایوسانه گفت: جمعا ملی از همكاری حزب دمكرات با دولت ممانعت بعمل میآورد در حالیکه حزب دمكرات بعنوان نیروی سیاسی مسئول میتواند با همكاری مقامات دولت نقش اساسی در

حفظ امنیت منطقه داشته باشد. و نیز فراموش نخواهند كرد كه حزب دمكرات چگونه در برابر شورای ملی مقاومت تمكین نمود و به امضای طرحی پرداخت كه جز شكست جنبش كردستان، اختناق و سرکوب و حفظ نظم برده و ارموجود، چیزی دیگری عاید مردم كردستان نخواهد كرد و اوضاع كنونی هم به صراحت نشان میدهند كه چگونه حزب دمكرات برای تسهیل و مساعد كردن زمینه های همدستی با جمهوری اسلامی، به جنگ علیه زحمتكشان كردستان پرداخته است. روی آوری آشكار و صریح حزب دمكرات به زورگویی، ارباب و دكتاتوروری عربان در رویدادهای جاری و حتی اشاعه آگاهانه و نشان دادن این خودسری ها و اربابها و زورگویشان در انظار جامعه برای به منقاد كشیدن مردم، خود به خود مجموعه، سیاستهای ضد زحمتكشی، ضد دمكراتیک و ضد مردمی این حزب را طی سالهای گذشته همچون یک سیستم در ظاهر مجسم میکند. بطوریکه وجوه مختلف حیات و فعل و انفعالات سیاسی حزب دمكرات برای هر زحمتكش آگاه و فکوری در كردستان اینقدر ماده خام تهیه کرده است كه بتواند از "پیروزی" جنبش بروایت حزب دمكرات، از ایده آل حزب دمكرات در این جنبش، تصویر تمام عیاری كسب كند و درك كند كه حزب دمكرات خواهان چگونه كردستانی است، زیرا بدیهی است كه ایده آل او در كردستان آتی، چیزی جز "تكامل" و "ارتقا" عملكرد سیاست گذشته

و حال وی نیست و انگیزی طرحیایی كه بنام "پیروزی تاریخی مردم كردستان" از آن نام میبرد و امضا کرده و بیان حقوقی مناسبات اجتماعی در كردستان آتی را از نظر حزب دمكرات نشان میدهد، از آن درجه صراحت برخوردار هستند كه بتوان چنین ایده آلی را (از نظر حزب دمكرات) مجسم ساخت:

خلق سلاح عمومی و سویژه پیشمرگان، ماده اول منشور حاکمیت خدا انقلابی دولت مرکزی در كردستان به سرپاداری حزب دمكرات خواهد بود [قوانین جمهوری - منظور جمهوری دمكراتیک اسلامی - در منطقه خود مختار باید بدون چون و چرا اجرا گردند (ماده دوم طرح شورای ملی مقاومت برای خود مختاری كردستان) و بنابه ماده، چهارم این طرح حتی میران نیروهای انتظامات داخلی طبق همین ماده، دو تعیین خواهد شد] میتوان باز این نبشنداختنا را شنید: "جنبش تمام شده، به پیروزی رسیده، خود مختاری را بدست آورده ایم، دیگر اسلحه ها را باید كنار گذاشت و برای سازندگی و آباد كردن كردستان كوشید". در حالیکه ارتش فعال مایشا، دولت مرکزی در كردستان، در جنب جوش و نقل و انتقال است و مواظب است هر جنبش حق طلبانه ولو كوچك را در خون غرقه سازد، زیرا امنیت سراسری جمهوری، "تعمات ارضی ایران، و وحدت جمهوری ما" به چنین سرگوبهای خشن و بی پروا ئی نیاز دارد [ماده

پنجم طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان [منوعیت فعالیت سیاسی، ممنوعیت آزادی عقیده، بیان، تشکل و اجتماعات ماده، دیگران بنشور صدکا رگری و ضد دمکراتیک خواهد بود. تنها کس و کسان و گروه‌هایی که به دولت سرکشی و مورد معامله حزب دمکرات و حزب دمکرات تمکین کرده‌اند آنها را اخیل و انقلابی میخوانند، آنها را نماینده اکثریت جا می‌سند می‌شمارند و به آنها احترام قائلند و در مقابل تعرضات مسلحانه و ضرب و شتم و کشتار آنها سر تسلیم فرود می‌آورند آزادند به فعالیت سیاسی - و یا به عبارت صحیحتر به بدیع سرایی خاکمان نوپا بپردازند - و گرنه مردم زحمتکش و نیروهای انقلابی و بویژه طبقه کارگر باید پاسخ اعتراضات خود را با گلوله و زندان و دادگاه و شکنجه و اعدام بگیرند [شرط حزب دمکرات برای آتش بس با کومه له در دگرگیریهای کنونی] یا [طبق برنامه شورای ملی مقاومت اعتصاب کارگران تنها با اجازه دولت میتواند صورت گیرد و طبق طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان قوانین سراسری در کردستان باید بدون چون و چرا اجرا گردند، سازمان امنیتی ضابطین دادگستری بوده و دادگستری عمومی و سراسری است، و مسلما گونه‌ای از اوضاع و احوال کردستان مورد نظر حزب دمکرات وجود نخواهد داشت که

مورد اعتراض جدی طبقه کارگر و همه مردم شریف فرارنگبرد. حق اعتصاب کارگران بیجا اجازه دولت، "برابری زن و مرد مطابق موازین اسلام"، شوکت نمایندگان کارگران در جریان تدوین قوانین کارتوسط دولت، آزادی انتخابات برای مجلس دمکراتیک اسلامی، شرع‌های شورشی، حفظ و بازسازی ارتش حرفه‌ای، ابقا مذهب رسمی برای کشور، اینها گونه‌هایی از آن قوانین عمومی سراسری هستند که بنا به برنامه شورای ملی مقاومت در کردستان لازم اجرا هستند و حزب دمکرات پذیرفته بود که اینها سراسر گسترین پیروزی برای مردم کردستان هستند.

بدین ترتیب تصویر گذشته‌های اساسی حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کردستان بر نظر حزب دمکرات، کارچنان منکلی نیست، زیرا اوضاع و احوال منکلی با موجود، با رنگ و لعاب خود - مختاری به حیات خود ادامه خواهند داد. ...

اینها هستند همه "دمکراسی خواهی و آزادی خواهی و خودمختاری خواهی" "سوروزاری کردپرو" و "نیشتمان پرور" ما، گویی هر چه بیشتر این حزب به حیات سیاسی خود ادامه میدهد چه بیشتر خود را می‌نمایاند، بهمان درجه حقارت مطالبات وی و اهانتش به خواستهای مردم زحمتکش عیان تر میگردد؛ تداوم سرکوب و اعتناق بس مردم زحمتکش و بویژه طبقه کارگر،

بایمال کردن حقوق دمکراتیک و اولیه مردم؛ حفظ و حراست و تعمیم مالکیت خصوصی سرمایه - داری، پاسداری از نظم برده‌وار موجود، پاسداری از نابرابری و بی عدالتی، حراست از حاکمیت اقلیتی استثمارگر بر اکثریت استثمارشونده، حراست از ارتش حرفه‌ای و بورژوازی مافوق مردم -

انتخاب همه اینها تحت نام خودمختاری، صرف نظر کردن از کلمه خودمختاری! این همه "دمکراسی" خواهی حزب دمکرات است؛ عیان هر بلایی بر سر مضمون دمکراسی و مضمون دمکراتیک خودمختاری بیاید؛ مسئله‌ای نیست، هر چه بادا باد.

آن "نیشتمان پرور" موعودی که حزب دمکرات (در جزوه بحث کوتاه‌های درباره سوسیالیسم) قول داده است تا ۵۰ سال دیگر آن را بیا فریاند - و در این فاصله کسی حق ندارد نام تا کام علیه بورژوازی در کردستان چیزی بگوید و بشنود چنین جهنمی است. اما از نظر کارگران کردستان این جهنم هم اکنون وجود دارد منتها بدون نام و با رویندا و تیکت "خودمختاری" ادعایی حزب دمکرات، و هیچ ضرورتی ندارد ده سال دیگر برای آن کوفته‌شده شود، هم اکنون سوروزاری در افلا - ترین شکل خود چنین جهنمی را آفریده است. و کارگر آگاه و کوه‌دو دارد با همان نظر حقارت آمیز و خصومت آمیز دروازه بانان "بومی" و "خودی" این جهنم را سنگ‌گردد که دروازه بانان "بیگانه" را.

مصائب کنونی دامنگیر بشریت
برای همیشه از جهان رخت بربندد نشان دهد.
و جهانی نو، جهانی سرشار از
آزادی، برابری و مساوات و عدالت
اجتماعی بنیاد نهاده شود؛ این نیست "کبکرات می توانید از

اما اشتباه است اگر پنداشته شود که این تنها یک حزب سیاسی بورژوازی است که دارد در برابر مردم افشاء میشود بلکه علاوه بر آن - مهم اینجا است - که حزب دمکرات با پراوتک خود، حقارت و افلاس ناسیونالیسم بورژوازی را در معرض دید طبقه کارگر در کردستان قرار داده است و این امکان را برای کنونیستها بوجود آورده است که با سهولت بسیار بیشتری به توده کارگران کرد نشان دهند کهستمگری ملی خود - یکی و تنها یکی از ستمها و بلایای بی پایان است که نظم و نظام بوجود - روابط استعمارگرانه سرمایه داری - بر روی تحمیل نموده است، نشان دهند که ستمها و سرچشمه همه بدبختیها، محرومیتها، مصائب و مشقات انسان نظام سرمایه داری است و آنان باید نه فقط برای رفع ستم ملی بلکه علاوه بر آن برای مبارزه علیه کلیت این نظام، برای پیرو سپردن این نظام، از همین امروز بمیدان آیند.

است. آزمان و آلایی طبقه کارگر، و کارگران کرد نیز به چنین طبقه و آلای تعلق دارند.
ناسیونالیسم بورژوازی از وجود ستم ملی بر ملت کرد، سوء استفاده کرده میگوید طبقه کارگر را با همه نظم موجود - با همه روابط استعمارگرانه سرمایه داری موجود آشتی دهد و همه اعتراض این طبقه را علیه کلیت خود این نظام، تا حد اعتراض صرف بهستمگری ملی تحت رهبری خود بورژوازی تسریل دهد و پیروزی بورژوازی را بعنوان

نشان دادن رسته همه نابرابریها بی عدالتیها، و زورگوئیها؛ و دستیابی به زندگی شایسته انسانی، زندگیای که در آن استعمار، سرکوب، فقر، بیگاری، اعتیاد، اختلالات و نابرابریهای جنسی، مذهبی، قومی، ملی و نژادی، فحشاء، زندان و شکنجه و همه

آزادی، برابری، حکومت کارگری

ناسیونالیسم بورژوازی، چفت و بست کردن زنجیرهای بردگی مردم زحمتکش و نگهبانی از وضع اسارتبار کنونی درهیختی دیگر است.

ناسیونالیسم بورژوازی، هر نوع همدستی، اتحاد و اشتلاف بورژوازی ملت تحت تسلیم با بورژوازی ملت ستمگر و حتی با بلوکهای امپریالیستی را تحت عنوان "سیاست هنرمکن است" در برابر جامعه موجه و در خدمت منافع ملت قلمداد میکند اما تاریخچه سازشها و ارتدادهای حزب دمکرات عملاً بهمگان نشان داد، که این تلاشها اساساً علیه طبقه کارگر و در جهت حفظ نظم موجود، و فروش "میهن" و "ملت" بوده و معنای حقیقی "سیاست هنرمکن است" جز عدیت و اقدام علیه طبقه کارگر و دمکراسی نیست.

ناسیونالیسم بورژوازی، آسوتر، برای ممانعت از نیرومندی طبقه کارگر، هرگونه اتحاد کارگران کردستان را با کارگران ایران، با دیگر هم سرنوشته خود در ایران؛ تحت عنوان نفوذشویبسم، تخطئه میکند و با لولوی شوینسم کارگران کرد را از کارگران بقیه نقاط ایران میترساند و شگاف تحمیلی بین آنها را عمیقتر میکند تا کارگران کرد را به زیر چتر سیاستهای بورژوازی خود بکشاند اما هر

کارگر کرد با فکر متوسطی با مشاهده اوضاع همین چندسال اخیر قادر به درک این مسئله هست که هم سرنوشته وی نه حزب دمکرات، بلکه طبقه کارگر و استثمائندگان ایران است و دشمن وی نه کارگران ایران، بلکه کل بورژوازی ایران است. ناسیونالیسم بورژوازی - آنگاه که خود را با نفوذ افکار و سوسیالیستی در میان کارگران - روبرو میبیند، با اجبار در هیئت سوسیالیسم بورژوازی بمقابله کارگران میپردازد، و میدهد که درآینده - اما درآینده ای نامعلوم و دور دست - خودش - بدون اینکه نیازی به کارگران باشد، بدون اینکه نیازی به دیکتاتوری پرولتاریا باشد "سوسیالیسم" را برای آنان مستقر خواهد کرد. ولی حزب دمکرات نشان داد که همین امروز چه استعدادی در عدیت با طبقه کارگر و معالجه آنی و آتی وی دارد و چگونه موجودیت عینی طبقه کارگر را علناً انکار میکند.

اما طبقه کارگر آگاه همین امروز به همه گوشه ها و زوایای نظام موجود معترض است و از همین امروز به نیروی خود برای درهم کوبیدن آن و استقرار سوسیالیسم پرولتری مبارزه میکند، و مبارزه خود را برای رفع هر نوع ستمی چنان هدایت میکند که توان و نیرومندی اش را برای

کسب قدرت سیاسی و استقرار آزادی برابری و حکومت کارگری بیشتر نماید.

اکنون وقت آنست که توده های هر چه بیشتری از کارگران کرد درک کنند که گرامی ترین و رها یی بخش ترین آرمان، آرمان طبقه کارگر، یعنی بنیاد نهادن جامعه نوین سوسیالیستی است، جامعه ای که در آن از استثمائندگان خلع ید شده و دیگر تولید و مبادله از مالکیت خصوصی و اختیار طبقه سرمایه دار خارج شده و در اختیار کل جامعه قرار میگیرد و برای اولین بار در تاریخ بشر این امکان بوجود میآید که نیروهای مولد عظیم و دستاوردهای مادی و معنوی گوناگون جامعه درهمه زمینه های علوم، تکنولوژی و فرهنگ، در خدمت رفع نیازهای مادی و معنوی توده مردم درآینده آرمان طبقه کارگر، و بالاترین آرمان بشری است به این دلیل که جهان وارونه کنونی را آنچنان انتظام دوباره میدهد که ریشه استثماری و تقسیم جامعه به طبقات بالادست و فرودست، نابرابریها و بی عدالتیها، خشک شود و حداکثر رفاه و ارتقا همه جانبه زندگی آنها در مردم تامین گردد. آرمان طبقه کارگر و بالاترین آرمان بشری است، زیرا برای نخستین بار در تاریخ بشریت؛ انسان خود، آگاهانه و از روی نقشه و برای

کارگران، به حزب کمونیست ایران پیوندید!

سما دمندترین، زیبا ترین و آزادترین نوع زندگی بشری، جامعه خود را، جامعه انسانی را سازمان میدهد.

این کار کار طبقه کارگر است. این کار کار طبقه ای است که با نظم برده و ارکنونی هیچگونه سازش و پیوندی ندارد، و راهی اش در گرونا بودی است. اما طبقه کارگر هم فقط زمانی توانایی به زیر کشیدن سلطه و قدرت بورژوازی، توانایی کسب قدرت سیاسی و از ریشه بر

گرفتن است. استعمار و ستم و بی اگندن نظم نوین، و ذریک کلام فقط زمانی توانایی پیرو شدن را دارد که صلاح پیروزی را در دست گرفته باشد. این صلاح چیزی جز حزب سیاسی طبقه کارگر، حزبی که طبقه کارگر را برای انجام عملی آرمانهای خود هدایت میکند و سازمان میدهد نیست. کارگران کردی باید بیش از هر زمان دیگر درک کنند که حزب کمونیست ایران همین صلاح است، سازمان کردستان این

حزب - کومه له - همین صلاح است، و برای همین آرمانهای والا و رهائی بخش مبارزه میکنند و حافظان نظم موجود به همین دلیل بیشترین خشم و نفرت و وحشت را از ایمن صلاح دارند.

■ ■ ■

همه کارگران کرد باید از هم اکنون مبارزان سر سخت آرمان خود کمونیسم باشند و بدون هیچ وقفه ای، بدون هیچ به تعویق انداختنی برای تحقق آن بکوشند و در این راه به هیچ نیرویی جز نیروی متشکل خود، و به هیچ

حزبی، جز حزب طبقاتی خود متکی و امیدوار نباشند.

ضروری است طبقه کارگر در کردستان - بهمان شیوه که شایسته آنست یعنی بصورت نیروی سی

همه کارگران کرد باید از هم اکنون مبارزان سر سخت آرمان خود کمونیسم باشند و بدون هیچ وقفه ای، بدون هیچ به تعویق انداختنی برای تحقق آن بکوشند و در این راه به هیچ نیرویی جز نیروی متشکل خود، و به هیچ حزب، جز حزب طبقاتی خود متکی و امیدوار نباشند.

ضروری است طبقه کارگر در کردستان - بهمان شیوه که شایسته آنست یعنی بصورت نیروی مادی - اجتماعی سلاح پیروزی اش را - حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن کومه له - را محکم بدست گرفته، آن را مورد جدی ترین و صریح ترین و بی باکانه ترین پشتیبانی قرار دهد، مستقیماً وارد صفوف آن شود، سیاستهای آن را با عمل رزمنده و مبارزاتی خود اتفا دهند و بهمان ارتشی به نهایت درجه رزمنده و به نهایت درجه منضبط، فرمانی بجز فرمان ستاد رهبری کننده خود را - حزب طبقاتی اش - را نپذیرد و بدین طریق روزهای واقعی خویش را نزدیک و نزدیک تر سازند.

مادی - اجتماعی سلاح پیروزی اش را - حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن کومه له - را محکم بدست گرفته، آن را مورد جدی ترین، صریح ترین و بی باکانه ترین پشتیبانی قرار دهد، مستقیماً وارد صفوف آن شود، سیاستهای آن را با عمل رزمنده و مبارزاتی خود اتفا دهند و بهمان ارتشی به نهایت درجه رزمنده و به نهایت درجه منضبط، فرمانی بجز فرمان ستاد رهبری کننده خود را - حزب طبقاتی اش - را نپذیرد و بدین طریق روزهای واقعی خویش را نزدیک و نزدیک تر سازند.

مادی - اجتماعی سلاح پیروزی اش را - حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن کومه له - را محکم بدست گرفته، آن را مورد جدی ترین، صریح ترین و بی باکانه ترین پشتیبانی قرار دهد، مستقیماً وارد صفوف آن شود، سیاستهای آن را با عمل رزمنده و مبارزاتی خود اتفا دهند و بهمان ارتشی به نهایت درجه رزمنده و به نهایت درجه منضبط، فرمانی بجز فرمان ستاد رهبری کننده خود را - حزب طبقاتی اش - را نپذیرد و بدین طریق روزهای واقعی خویش را نزدیک و نزدیک تر سازند.

همه کارگران کرد باید از هم اکنون مبارزان سر سخت آرمان خود کمونیسم باشند و بدون هیچ وقفه ای، بدون هیچ به تعویق انداختنی برای تحقق آن بکوشند و در این راه به هیچ نیرویی جز نیروی متشکل خود، و به هیچ

آن تضمین شده تراست .

این حقیقت را نه فقط توده ...
های کارگر بلکه همه آحادی از
مردم کردستان که آرزوی پیروزی
این جنبش را دارند باید درک
کنند .

برنامه کومه له برای خودمختاری
کردستان و بیانیه حقوق مسردم
زحمتکش در کردستان تیلور آن
دمکراسی پیگیر و انقلابی پرولتاریا
در جنبش کردستان هستند که نه تنها
همه مطالبات ، امیال سرکوب
شده و خواسته های دمکراتیک و برحق
مردم کردستان را در خود جای داده
است ، بلکه دامنه وسیع توقیصات
دمکراتیک توده های مردم کردستان
را ارتقایی نظیری داده است : نظام
دمکراتیک و شورایی حاکمیت مستقیم
توده ها ، تطبیح عمومی ، آزادی
بدون قید و شرط فعالیت سیاسی ،
آزادی قلم ، بیان ، مطبوعات ،
تشکل و تحریک ، آزادی عقیده
داشتن بمذهب و یا بی اعتقادی
بدان ، برابری قانونی حقوقی
زن و مرد ، الهای ستمگری ملی
در برقراری حقوق برابرمللی ،
مطالبات اقتصادی و رفاهی برای
مردم زحمتکش ، پایان دادن به
بیموادی ، احترام به شخصیت
انسان و ممنوعیت بی حرمتی و
اهاانت بدان و ... آن مطالباتی
هستند که مردم زحمتکش کردستان
میتوانند امیدوار باشند و فردای
پیروزی جنبش کردستان بود و هر

منطقه ای که حتی برای چند روز
آزاد شود - از سوی کومه له بعنوان
فرمان پیروزی انقلاب مسردم
زحمتکش کردستان اعلام شود و با
اتکا به نیروی آگاه و مسلح و متشکل
مردم به اجرای فوری و بدون فوت
وقت آنها مبادرت شود .

حقیقت دیگری که لازم است
همه مردم کردستان آن را مدنظر
قرار دهند اینست که سازمان کردستان
حزب کمونیست ایران - کومه له -

پیوندی که در نتیجه آن ، انقلاب
ایران ، مبارزه نیرومند و سرنوشت
ساز طبقه کارگر در ایران ، به
پشتوانه محکم و غارایی جنبش
حق البیانه مردم کردستان تبدیل
میشود ، آن را به حداکثر تقویت
میکند ، پیروزی آن را تسهیل
میکند با پیروزی و تشکل دادن به
قدرت سیاسی انقلابی در ایران
فردا ، حراست از پیروزی جنبش
کردستان و تعمیق و بسط آن را

نظام دمکراتیک و شورایی حاکمیت مستقیم توده ها ، تطبیح
عمومی ، آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی ، آزادی قلم ،
بیان ، مطبوعات ، تشکل و تحریک ، آزادی عقیده داشتن بمذهب
یا بی اعتقادی بدان ، برابری قانونی حقوق زن و مرد ، الهای
ستمگری ملی و برقراری حقوق برابرمللی ، مطالبات اقتصادی و
رفاهی برای مردم زحمتکش ، پایان دادن به بیموادی ، احترام
به شخصیت انسان و ممنوعیت بی حرمتی و اهاانت بدان و ... آن
مطالباتی هستند که مردم زحمتکش کردستان میتوانند امیدوار
باشند و فردای پیروزی جنبش کردستان - و در هر منطقه ای که
حتی برای چند روز آزاد شود - از سوی کومه له بعنوان فرمان
پیروزی انقلاب مردم زحمتکش کردستان اعلام شود و با اتکا به
نیروی آگاه و مسلح و متشکل مردم به اجرای فوری و بدون فوت
وقت آنها مبادرت شود .

ضمانت میکند .

همه مردم آزادبخواه در
کردستان که میخواهند رنج و
ددا کاریشان به پیروزی منتهی شود
و به حقوق دمکراتیک خود دست
یابند ، باید با پشتیبانی جدی و
مریح از کومه له به دفاع از این

علاوه بر آن که خود مستقیماً برجمدار
ومدافع و رهبر ثابت قدم دمکراسی
انقلابی در کردستان است ، بلکه
بمثابه بختی از حزب کمونیست
ایران پیوند مادی و واقعی و
تقویت کننده بین جنبش انقلابی
کردستان و انقلاب آتی ایران را
به بهترین نحو ضمانت میکند

پنجمه در صفحه ۲۰

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد!

پنجه از صفحه ۱

برای تشکیل شوراهای.....

معلی برداشته شود و هر جا و هر زمان که موقعیت مناسب باشد این شوراهای عملاً تشکیل گردند. این شوراهای در مناطق اشغالی و در شهرها بعنوان ارگان توده‌ای اعتراض و مقاومت در برابر جمهوری اسلامی و در مناطق آزاد بعنوان ارگانهای توده‌ای اعمال دمکراسی مستقیم و اداره امور محلی و در مناطق بهنامینی بعنوان تبلیغی از این دوارگان عمل خواهند کرد.

از آن زمان تاکنون تا جایی که به تبلیغ ایده شوراهای واقعی و معامع عمومی مربوط می شود ، رفقای ما به تبلیغ آن در میان توده های مردم پرداخته و از این لحاظ پیشرفت های معینی هم داشته اند . همچنین رفقای ما در جهت سازماندهی مردم برای تشکیل شورای واقعی گامهای عملی هم برداشته اند اما این گامهای عملی کم تا شیرونا پایدار بوده - اند . چرا ؟

ما سعی می کنیم به اختصار به این سوال پاسخ داده و موانع تشکیل معامع عمومی و نحوه برخورد به آنرا مورد ارزیابی قرار بدهیم . قلاً متذکر می شویم که این مقاله از میان مؤلفه های زیربط و موانع گوناگون آن بخش از موانع را مورد بحث قرار میدهد که مستقیماً به فعالین ما مربوط میشود و هدف آن ، آرا د سازی و

حرکت در آوردن انرژی فعالین تشکیلاتی برای مقابله با سایر موانع موجود (از قبیل سنتهای عقب مانده ، توده ها ، حضور جمهوری اسلامی ، کار شکنی حزب دمکرات و مرتجعین و فرصت طلبان محلی ، و سایر شرایط نامساعد) ، در کمک به سازماندهی توده ها در تشکیل معامع عمومی و دامن زدن به جنبش شورائی در کردستان می باشد .

■

آن موانع مشخصی که نمی گذارند فعالین مان نقش واقعی خود را در سازماندهی معامع عمومی منظم و سازمان یافته ایفا نمایند عبارتند از :

۱) درگ ناقص از رسالت و جایگاه شورادر شرایط کنونی :

انرژی فعالین ما در مناطق اشغالی کردستان آنطور که شاید باید برای تشکیل معامع عمومی بکار گرفته شده و به این امر مهم اختصاص نیافته است . یکی از دلایل مهم آن اینست که عده ای از رفقای ما شوراً افقط بمنابه ارگان حاکمیت توده ها تلقی می نمایند و لذا در مناطق اشغالی که رژیم اراعمال دمکراسی مستقیم توده ها جلوگیری بعمل آورده رسالت چندان برای آن قائل نیستند . این رفقا عملاً تشکیل معامع عمومی را به آرا د سازی مناطق موکول نموده و تصور می کنند که تبلیغ آن فقط زمینه ساز تشکیل شوراهای واقعی در مناطق آزاد آئیده خواهد بود . البته هر چند

این رفتار حرف تبلیغ معامع عمومی و تشکیل احتمالی آنرا در هر جا که مقدور باشی پذیرند اما در عمل فقط به تبلیغی خود بخودی و غیر هدفمند اقداماتی محدود اکتفا می نمایند . از آنجا که آنها هیچ بدیل مناسب دیگری برای اتحاد مبارزاتی توده ها و هماهنگ کردن مبارزات مشخص و جاری آنها علیه رژیم سراغ ندارند ، لاجرم به دنباله روی از مبارزات خود بخودی و پراکنده مردم می پردازند . این یک گرایش انفعالی است که قادر نیست به نیازهای مبارزاتی کنونی توده ها پاسخ مناسب گفته و آنها را برای در دست گرفتن حاکمیت مستقیم خود در آئیده آموزش و سازمان بدهد .

ما توجه چنین رفقای را باین نکات طلب می نمایم که :

اول - معامع عمومی در مناطق اشغالی با توجه به واقعیات معینی و ملزومات پیشروی جنبش انقلابی خلق کرد ، پیش از آنکه ارگان اداره امور محلی باشد ، ارگان اعتراض و مقاومت مردم است علیه جمهوری اسلامی و هر گونه سیاست و عملکردی که با منافع و مصالح آنها مغایرت داشته باشد (چه از جانب مرتجعین محلی و یا حزب دمکرات و هر نیروی دیگری) و سایر این بمنابه ارگان توده ای مبارزه ، ضرورت و مطلوبیت دارد و باید تشکیل شود .

ثانیاً - مبارزات اعتراضی توده ها علیه سیاستها و اعمال مداخلاتی رژیم جمهوری اسلامی در کردستان به آوری روزمره تبدیل شده است .

ما می توانیم و باید این مبارزات واقعی و خود بخودی مردم را ما زمان داده و برای تشکیل مجامع عمومی حول آنها فراخوان بدهیم .

ثالثا - شوراها تا ریاضت پسز در تحت حاکمیت سیاه رژیم های بورژوازی بوجود آمدند و بتدریج بعنوان ارگان رهبری اعتصاب ، مبارزه و قیام توده ای تکامل یافتند و سرانجام در ادامه تکامل خود بصورت ارگان های حاکمیت مستقیم توده ها مطلوبیت و واقعیت بالفعل پیدا کردند .

بنابر این اشغالی بودن مناطق نه تنها نمی تواند توجیهی برای سهل انگاری نسبت به تبلیغ و سازماندهی شوراها باشد بلکه برعکس ضرورت و مبرمیت تشکیل آنها را هر چه بیشتر آشکار می سازد .

۲) موکول نمودن تشکیل شورا به بعد از تشکیل حوزه های حزبی

رفقای هستند که تشکیل مجمع عمومی در هر نقطه ای را منوط می کنند به شکل گیری حوزه های حزبی در آن نقطه . این رفقا فراموش می کنند که :

اولا - وظیفه سازماندهی و رهبری مبارزات توده ای یکی از وظایف پایه ای حزب است نه وظیفه هر حوزه حزبی . حوزه آن سوخت و ساز پایه ای را فراهم میکند که در نهایت رهبری کمیته حزبی را بر مبارزات کارگران و زحمتکشان تأمین میکند و نمی توان سازماندهی و هدایت تشکلهای توده ای را از حوزه حزبی انتظار داشت .

ثانیا - مادر کردستان دارای

کمیته های حزبی و رهبران علنی با نفوذ (وارکانهای سراسری و کانالهای ارتباطی) می باشیم ، که میتوانستند و باید وظیفه فوق جامعه عمل ببخشند .

ثالثا - هم اکنون در کردستان پتانسیل و انرژی توده ای وسیعی کوهله را احاطه کرده و آماده است نظرات و رهنمودهای ما را حول مبارزات مشخص جاری خود بکار گیرد و نباید به بهانه اولویت گسترش حوزه های حزبی از آن مغفول کنیم .

رابعا - مطلوبیت یافتن و اتخاذ شعارها و استنهای ما در میان زحمتکشان ، خود زمینه مساعدی برای ایجاد حوزه های حزبی و گسترش فعالیت آنها را بدست میدهد .

خامسا - مجمع عمومی در هر صورت ظرف مناسبی است برای بروز و رشد مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان بر علیه افسار و طبقات دارا و احاط قدرت . جمع آوری توده ها در مجامع عمومی دمگراسی بفتح زحمتکشان است و باید بگوئیم آنرا به سنت و عادت رایج توده ها تبدیل کنیم .

در رابطه با مسایل فوق لازم است در همینجا برای جلوگیری از یک برداشت احتمالی انحرافی تیر هفتاد بدهیم و آنهم کم رنگ کردن اهمیت تشکیل حوزه های حزبی و قربانی کردن آن در خدمت مبارزات جاری توده ها است . برای ماکونیست ها تشکیل حوزه های حزبی در میان کارگران و زحمتکشان همواره جز وظایف روتین و تعطیل

نا پذیرمان است . از سوی دیگر نیز واقفیم که وجود حوزه های حزبی امر سازماندهی و هدایت مبارزات توده ها (از جمله تشکیل مجامع عمومی) را توسط کمیته های حزبی تسهیل و تسریع می کند . استقلال سیاسی - تشکیلاتی پرولتاریا در شوراها باعث می شود تا شورا خود به بهتر و رشد مبارزه طبقاتی تبدیل شده و در خدمت منافع زحمتکشان قرار گرفته و شعارها و سیاستهای انقلابی ما را مورد پشتیبانی قرار بدهد . زحمتکشان اعتماد بنفس پیدا کنند و گذارند و مرتجعین و فرست طلبان اختیار شورا را بدست گیرند و بطور علامه تضمین می کنند که شورا منجم خط دار و ادامه کار باشد . هدف ما از طرح مطالب فوق تسریع امر تشکیل مجامع عمومی به قیمت کند کردن روند ایجاد حوزه های حزبی نیست بلکه مرز بندی بادرک نافع و نادرستی است که تشکیل حوزه های حزبی را به دستاویزی برای سهل انگاری در قبالت تشکیل مجامع عمومی و سازماندهی مبارزات جاری توده ها در کردستان تبدیل می سازد .

۲) جداسازی مکانیکی مرحله تبلیغ - مرحله تشکیل :

یکی دیگر از موانع ذهنی عده ای از رفقای ماجدا کردن مکانیکی تبلیغ مجمع عمومی و تشکیل مجمع عمومی از یکدیگر است . این رفقا تصور می کنند که ما وقتی قادر خواهیم بود برای ایجاد مجمع عمومی گام موثر عملی برداریم که یک مرحله موفقیت

آميزت بلیغ صرف مجمع عمومی را بهت سرگزاشته باشیم. این رفقا فاعلی همان نشان نمی دهند تا از طریق آن میزان موفقیت تبلیغاتشان را ارزیابی کرده و لحظه ه خروج گامهای عملی برای ایجاد مجمع عمومی را تعیین نماییم و این معنی دیگری ندارد غیر از موکول کردن تشکیل مجمع عمومی به آینده ای نامعلوم. از این رفقا باید پرسید: آیا بهترین فاعلی برای تعیین درجه موفقیت تبلیغ مجمع عمومی حرکت آگاهانه و پیشروی تدریجی توده ها در تشکیل عملی مجمع عمومی نیست؟ قطعنامه کنگره چهارم کومهله درباره "سازماندهی حاکمیت انقلابی توده ها و وظایف کنونی ما" در این مورد می گوید: "لزوم تشکیل شوراهای واقعی روستا یعنی مجمع عمومی منظم و سازمان یافته اهالی روستا باید وسیعاً در میان توده ها تبلیغ شود و برای ایجاد آنها گامهای موثر عملی برداشته شود: (تاکید از ما است)

بنابراین در عمل، ما نه با دور مرحله الزامات از هم تبلیغ مجمع عمومی و تشکیل عملی مجمع عمومی، بلکه با تنوعی از آن روبرو خواهیم بود؛ مثلاً ممکن است بطور همزمان درجایی ایده مجمع عمومی را تبلیغ کنیم، درجایی دیگری جلسه مجمع عمومی را با شرکت و همکاری مستقیم خودمان

برقرار نماییم، در فلان روستا جلسه اول مجمع عمومی را بدون دخالت مستقیم خودمان سازمان بدهیم و در روستای دیگر جلسات منظم و سازمان یافته مجمع عمومی را هدایت و رهبری نماییم و قس علیهذا...

(۲) تنزل دادن مجمع عمومی سازمان یافته تا سطح هرنشت معمولی مردم:

بعضی از رفقای ما چنانستنباط کرده اند که گویا هرگاه و بهر شکلی مردم در کنار هم جمع شوند و به بحث بپردازند مجمع عمومی تشکیل داده اند! بنابراین هر جمع خود بخودی بدون هدف مردم و یا هر جلسه سخنرانی ما برای آنها را بعنوان مجمع عمومی تلقی می نمایند. وقتی که مرز مجمع عمومی سازمان یافته با نشستهای معمولی مردم قاطی میشود دیگر نمی توان از اعمال آزاده اکثریت سخنی بمان آورد و در چنین حالتی شوراها بیکاه و رسمیت خود را از دست میدهد و از محتوای اطیش خالصی میشود، سطح درک و توقعات مردم از مجمع عمومی پائین آورده میشود و لاخرم مجمع عمومی هم تشکیل نمی شود. در حالی که شورای واقعی هرنشت عادی مردم نیست، بهماز جمعه، جلسه فاتحه خوانی، مراسم مروسی و امثالهم نیست، بلکه مجمع عمومی منظم و سازمان یافته

است که بمناسبت یک ارگان تشکیل می شود (خواه جلسه آن در مسجد تشکیل شود، یا در میدان آبادی و داخل مزرعه و هر جای دیگر) تا پس از بحث و گفتگو درباره مسائل ضروری مردم، تصمیم گیری نماید و مجریان این تصمیمات را مشخص سازد، برای خود حساب و کتابی دارد، شیوه رای گیری و انتخاب تصمیم آن دموکراتیک است و...

در ادامه این نوشته حداقل غوصهایی را که یک جلسه لازم دارد تا بتواند ساخته نام مجمع عمومی سازمان یافته با خدا تا کند بپتری مورد بحث قرار می دهیم.

(۵) فرمالیسم در تشکیل مجمع عمومی:

بر بعضی مورد قبلی عده ای دیگر فکری کنند که باید مجمع عمومی تشکیل داد تا با ابتدا زمان ابتدا خود مردم تمام تغییرات، خصوصیات و مقررات مربوط به مجمع عمومی سازمان یافته و منظم را رایست نموده و در آن جلسه را بدون هیچ عیب و نقی پیش ببرند. این رفقا بیشتر به شکل مجمع عمومی اهمیت میدهند تا محتوای آن. مجمع عمومی را مانند یک پدیده زنده که دارای پروسه رشد و تکامل خاص خود است در نظر نمی گیرند. به این واقعیت توجه ندارند که یک مجمع عمومی ایده آل بدون عیب و نقی و قوی، تنها شکل ممکن مجمع عمومی نیست

برقرار باد حاکمیت انقلابی توده ها!

و مجمع عمومی نیز مانند هر پدید آمده ای می تواند از ابعاد حداقل وحدت و نقاط ضعف و قوتی برخوردار باشد. آن خصوصیات حداقلی که لازمه تشکیل مجمع عمومی است کدامند؟ مجمع عمومی مورد نظر ما اجتماع اهالی از ۶ سال به بالای یک روستا حول مسائلی مبارزاتی مشخصی است تا در رابطه با آن بحثا به هم تصمیم گیرنده و هم مجری تصمیمات خود عمل نمایند و دارای خصوصیات پایه ای زیر است:

اول اینکه: اکثریت اهالی در آن شرکت دارند.
دوم اینکه: در رابطه با مسائلی مسائل ضروری و مورد نظر اکثریت آنان تصمیم می گیرند.
سوم اینکه: مجریان قابل عزل، برای این تصمیمات را انتخاب می نماید.

بنابراین با فراهم شدن شرایط فوق یعنی اجتماع اکثریت اهالی حول مسائلی با مسائل مشخصی و تصمیم گیری و تعیین نمایندگان و مجریان قابل عزل، میتوان گفت که مجمع عمومی تشکیل شده و رسمیت دارد. (این شرایط در عین حال موزین مجمع عمومی سازمان نیافته با هر اجتماع معمولی مردم نیز می باشد) و در ادامه خود میتواند به مجمع عمومی منظم و سازمان یافته (که دارای آئین نامه مداحی خاص خود است) تکامل پیدا کند.

۶) تشکیل مجمع عمومی حول مسائلی:

در بسیاری موارد با نوعی ذهنی گری و خرده کاری در تشکیل مجمع عمومی روبرو می شویم و آنهم کوشش برای تشکیل مجمع عمومی حول همسایه ای است. بعضی از رفقا انتظار دارند که مجمع عمومی حول همه مسائل امروز و فردای همه اهالی از سازمان گرفته تا حاکمیت و از مسائل خرد مربوط به فرد یا افرادی محدود گرفته تا مسائل مبتلابه عمومی، تشکیل شود. در این حالت ظاهرا چنین انتظاری می رود که مجمع عمومی حول همه چیز تشکیل شود اما عملا بخاطر اینکه برمساله عمومی مشخصی و معلومی انگشت گذاشته نمی شود، ضرورت و رسمیت تشکیل مجمع عمومی، هم از سوی مردم احساس نمی شود و لاجرم مجمع عمومی تشکیل نمی گردد. واضح است که اگر امکان اعمال دموکراسی مستقیم مردم موجود بوده و تشکیل جلسات مجمع عمومی به سنت و عادت رایج بوده ها تبدیل شود ما می توانیم انتظار داشته باشیم که همه موضوعاتی که در حیطه اختیارات شورای پایه می کشد در دستور جلسات منظم مجمع عمومی قرار گیرد (حتی درجین مورتی هم بسیاری از مسائل خرد و فرعی بخای طرح و حل در جلسات مجمع عمومی

به نمایندگان یا هیاتهای منتخب مجمع عمومی واگذار میشود) اما در شرایط کنونی این انتظار رویزه بصورت تشکیل مجمع عمومی حول همسایه ای خلاف واقع است و مسوده یقینا نشی بوده ها قرار نمی گیرد. آنچه که اکنون برای ما اهمیتست دارد اینست که مردم را حول مبرم ترین و عمومی ترین مسائل مشخصی سازمان دهیم تا از مسائل سیاسی گرفته تا مطالبات اقتصادی و اجتماعی) برای تشکیل مجمع عمومی فراخوان بدهیم تا هم به صورتی سازمان نیافته مبارزات آنها را هدایت کنیم و هم ضرورت تشکیل مجمع عمومی را عملا به آنها نشان بدهیم و آنها را بتدریج قانع نماییم که برای پیشبرد مبارزاتشان (و در نهایت برای در دست گرفتن حاکمیت مستقیمشان) آنها بهترین، مناسبترین و دمکراتیک ترین شیوه یعنی تشکیل مجمع عمومی منظم و سازمان یافته را برگزینند. علاوه اگر شورای واقعی در شرایط کنونی ارگان توده ای مبارزه و اعتراض است پس علی القاعده حول آنها و مسائل مشخصی مبارزاتی مورد علاقه اکثریت آنان است که می تواند به خود آید حول همسایه ای.

۷) نقشه مد حرکت نکردن:

همچنانکه قبلا نیز اشاره کردیم بسیاری از رفقای ما بدون نقشه و

زنده باد دموکراسی انقلابی!

برنامه و بدون در نظر گرفتن پیرویه تشکیل و تثبیت مجمع عمومی و بشیوه ای خود بخودی برای تشکیل مجمع عمومی حرکت می کنند و این یکی از اشکالات اساسی فعالیت های آنها در این عرصه بشمار می آید. ما ذیلاً به چند نکته اصلی که در یک فعالیت نقشه مند برای تشکیل مجمع عمومی باید ملحوظ داشت اشاره می کنیم (بدیهی است که رفقا با توجه به شرایط ویژه هر ناحیه و بخشی و با استفاده از تجربیات خود باید نقشه عمل خود را نیز خویش را تهیه نمایند):

الف - تبلیغ: در عرصه تبلیغ مجمع عمومی باید نکات زیر را مورد توجه قرار دهیم:

۱) تبلیغ صریح و روشن و مستمر حاکمیت شورایی از دیدگاه ما، جایگاه و ضرورت مجمع عمومی، امکان پذیری و مطلوبیت آن، قواعد و خصوصیات مجمع عمومی و مسائل از این قبیل ...

مردم باید بدانند که شرکت و دخالت هر فردی با هر درجه آگاهی، استعداد و توان در مجمع عمومی نه تنها امکان پذیر است بلکه حق مسلم و خدشه ناپذیر و حساب می آید. همچنین مردم باید بدانند که پس از پایان جلسه مجمع عمومی شورا بحیات خود ادامه نمی دهد بلکه شورا مثلاً به تصمیم گیری و جاریس در داخل مجمع عمومی (در سراز اجرای تصمیمات خود) در خارج از مجمع عمومی (در و تالیسه بعدی مثلاً به بحری آن عمل می نماید. همچنانکه تصمیم گیری عمومی و تشوذهای است. اجرای

آنهم تخصی و انحاری نبوده و می تواند عده زیادی از اهالی را در سرگیری.

۲) تبلیغات ما باید عمدتاً روبرو کارگران و رحمتکشان متمرکز شده و آنها را قبل از همه مورد خطاب قرار دهد زیرا نیروی دافع و پیشقدم در تشکیل مجمع عمومی قبل از هر کس خود کارگران و رحمتکشان میباشند، آنها هستند که باید آگاه و متشکل شوند، ثروتمندان و اقشار مرفه و مرتجعین هرگز برای تشکیل مجمع عمومی (یعنی حای که در آن حاکمین و دستور دهندگان قلی محصور مشوید در محاروت محرومان قرار گیرند و به رای اکثریت در برابر اقلیت گردن نهند) پیشقدم نخواهند شد و حتی تا آنجا که بر نشان مقدور باشد کارشکنی و توهم پراکنی و اخلال ساز خواهند کرد (کارشکنی و داد و فریادهای خشم آلود حرب دمکرات علیه مجمع عمومی نمونه برجسته ای از این گونه موضع گیریها است) تبلیغات ما باید آنها را رسوا کرده و در میان توده ها مترو و منفرد نماید.

۳) درمان کارگران و رحمتکشان هم فعالین و بشروان نقش برجسته و ویژه ای می باشد و برای اینکه بتواند درمان کارگران و رحمتکشان محل زیست خود به تبلیغ و ترویج بیگرو و دهمسند بپردازد، محافل کارگران و رحمتکشان نه بدست و سکه رحمتکشان ایجاد نماید و تشوذهای رحمتکش را برای تشکیل مجمع عمومی تشویق نموده و سازمان بدهند

باید وسیله رفقای ما تحت آموزش قرار گرفته و درک و آگاهی آنها ارتقا داده شود.

ب - تعیین اولویتها

گام اول را از کجا شروع کنیم؟ از هر روستایی که عبور کردیم؟ در هر نقطه ای که نیازهای نظامی ما را برانجام می کشاند؟ خلاصه از کجا؟ در جواب باید گفت: اگر ما محقین و باید در همه جا اهداف، مواضع و سیاستهای خودمان را تبلیغ کنیم اما برای تشکیل مجمع عمومی نباید همه دهات کردستان به یک دید توجه نموده و از همه آنها انتظار یکسانی داشته باشیم نباید ارب که گویا در همه نقاط کردستان به یکسان می توانیم مجمع عمومی تشکیل بدهیم، بلکه باید نقاط کلیدی و پیشرفته (آن نقاطی که بیشترین تعداد کارگران و رحمتکشان را در خود حای داده است) را مشخص کرده و نیروی خودمان را بر آنها متمرکز کنیم. اگر ما در تعدادی از روستاهای کلیدی کردستان مجمع عمومی تشکیل بدهیم ستهای آن به سایر روستاها نیز سراتت کرده و مردم را تشویق می نمایند و متشکل مجمع عمومی را تسرع میکند، سایر این ساید ارزی خودمان را بخش کنیم بلکه با دمویشی نقشه مند و متمرکز عمل نمائیم (البته اگر در هر یک از دهات غیر کلیدی و کوچک هم سیدر لیلی ارحله نفوذ وسیع گویا در میان اهالی آنها، تشکیل مجمع عمومی مقدور باشد قطعاً بدون هیچگونه درگی از آن استقبال خواهیم کرد) خلاصه ما

با بدتعیین بکنیم که در کما امکان بیشتری برای تشکیل مجمع عمومی و گسترش آن به نقاط دیگر وجود دارد. آنگاه با تشکیل عملی شوراها نمونه کار را آغاز کنیم. اگر در ابتدای کار، بکندی پیش برویم اشکالی ندارد بشرطی که پایه، محکمی برای حرکت خود بنیاد نهاده باشیم.

ج - فراخوان برای تشکیل مجمع عمومی حول مبارزات مشخص جاری فعالین حزبی و عناصر پیشرو باید خواستهای عمومی مردم مانند مبارزه و مقام و علیه جنگ ارتعاعی ایران و عراق، باج و خراجهای جنگی، سر بازگیری، بسیج گیری، کوچ احیای، پرداخت اثار به زمینهای مصادره شده از سوی زحمتکشان، دستگیری و جان گردی، تبعید، شوراها، اسلامی، توب باریان و خمیاره باریان، فضا روادیت و آزار، حجاب اسلامی، و انواع محدودیتهایی که بر زنان تحمیل میشود و همچنین مطالبات اقتصادی و اجتماعی از قبیل مسئله آب، زمین، مزد، شرایط کار،

کوبین و دهها نمونه دیگری که روزانه در برابر ابرها کمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی با آن روبرو میشوند و همچنین اغاذی و فشا روزی برپا نهادن دیکراسی از سوی حزب دمکرات (وهر نیروی دیگری که قصدی بمال نموندن حقوق مردم را داشته باشد) در سطر گرفته و با توجه به اولویت و سیرت هر کدام از آنها و با اتکانه رهبران عملی مبارزات و زحمتکشان پیشرو پیشقدمی که قبلاً با آنها ارتباط

برقرار کرده اند و در میان آنها به تبلیغ پرداخته اند برای تشکیل مجمع عمومی فراخوان بدهند. هم اکنون مبارزات خود بخودی مردم حول مسائل فوق در جریان است. ما می توانیم به مردم بگوییم که راه صحیح و مناسب برای ادامه این مبارزات تشکیل مجمع عمومی و طرح خواستها و شعارهای تعرضی میباشد. حتی رفقای ما میتوانند اهالی روستاهای یک بخش یا ناحیه را که حول شعار یکسانسی مبارزه میکنند به تشکیل مجمع عمومی برای انتخاب نماینده برای تشکیل شورای نمایندگان بخش یا ناحیه بمنظور هماهنگ کردن مبارزه آنها دعوت نمایند. البته ما نباید به این خواستها و به این سطح از مبارزات توده ها اکتفا نماییم. مطالبات مردم نباید تنها به مبارزه علیه سیاستها، قوانین و نهادهای رژیم محدود شود بلکه باید به سطح مطالبات سیاسی، رفاهی، دمکراتیک و تعرضی حول اعلامیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش کردستان و برنامہ کومه له برای خود مختاری کردستان و خصوصاً حول شعارهایی از قبیل تشکیل شوراها، واقعی، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بی قید و شرط فعالینهای سیاسی، خروج بی قید و شرط نیروهای اشغالگر رژیم جمهوری اسلامی از کردستان و ... ارتقا داده شود.

د - تثبیت هر قدم از پیشروی: ما باید هر درجه از پیشروی مردم را تثبیت کرده و از آن بعنوان عامل های محرکی برای حرکات و پیشروی

های آینده استفاده کنیم. مثلاً اگر در روستایی مردم فقط در سه ماه با یبیزیا رستان حاضر باشند شورا تشکیل دهند یا بد از این مدت استفاده کرده و این سنت را پایه ریزی نماییم یا ممکن است اهالی یک روستا فعلاً فقط حول یک مسأله مبارزاتی مشخص که با آن دست بگیرند مجمع عمومی تشکیل بدهند و پس علیهذا ...

عارف مولاناشی
اردیبهشت ۱۳۶۴



پیشرو

ارگان سازان کردستان حزب گزیت ایران - کرد

۱۳۶۴ خرداد ۱۳۱۳۶۴

۱۳۶۴

★ پند و اندرز
پند و اندرز دهانی ساسی حزبی گزیت ایران
مجموعه روزی یکی یکبار

★ شعارات
کلمه ها کوبین کانی کومه له و صیقل دید و کردات

★ وند و نکشتن
وند و نکشتن رو کشتن گزیت ایران
رو کشتن گزیت ایران و وند و نکشتن

★ حکومت گزیت ایران و وند و نکشتن
حکومت گزیت ایران و وند و نکشتن



پوپولیزم

له به زمانه ی لانی حکم دا

ره خه به ت له سه ر فیدایی رانی نه لی ده دین پی

مجموعه حکایت

ارگان سازان کردستان

نمودن ستم ملی و دفاع از حقوق مردم زحمتکش، در این مدت پیشمرگ کومه له برای شما سیمای شناخته شده‌ای بوده است، شما در عرصه‌های گوناگون مبارزهٔ انقلابی در کردستان، چه در شرایط هموار و چه در روزهای سخت و دشوار، پیشمرگ کومه له را دیده‌اید، پیشمرگ کومه له با زندگی و مبارزهٔ شما عجین گشته و به بخش جدانشدنی از زندگی و مبارزات زحمتکشان کردستان بدل گشته است.

امسال در شرایطی رو به پیشمرگ کومه له را گرامی می‌داریم که نیروی پیشمرگ کومه له برای دفاع از حقوق شما، اهداف و منافع شما و برای دفاع از دموکراسی، نه تنها با نیروی ارتجاعی و اشغالگر جمهوری اسلامی، بلکه همزمان با آن با جنگ ارتجاعی حرب دمکرات مواجه است.

این وضع اگر ارسویی بمعنای ایجاد شرایطی دشوارتر برای پیشمرگ کومه له و جنبش کردستان است، ارسویی دیگر نشان‌دهندهٔ عزم راسخ و استواری پیشمرگ کومه له در دفاع و حراست از حقوق شما و مبارزه برای به پیروزی رسانیدن جنبش کردستان تحت هر شرایطی است.

رژیم ارتجاعی و اشغالگر جمهوری اسلامی در سال گذشته تمام توان خود را برای ضربه زدن به نیروی پیشمرگ کومه له و محدود ساختن میدان فعالیت آنها بکار گرفته است اما نه تنها هیچ موفقیتی بدست نیاورده بلکه در این سال بدفعات متحمل ضربات سخت و کوبندهٔ ارسوی پیشمرگ کومه له شده است، در میدان نبرد با حزب دمکرات نیز سرور قایع چند ماههٔ اخیر با نگرانی و اطمینان است که جنگ طلبی و سیاست حرب دمکرات در ادامه دادن به جنگ بر علیه نیروی پیشمرگ کومه له، به تنها آرزوهای ارتجاعی آنها را متحقق نساخته است بلکه در این عرصه نیز پیروزیهای نیروی پیشمرگ کومه له برای مردم کردستان دیگر حقیقتی آشکار است. جاسارت در مقابل دشمنان زحمتکشان و خلق کرد، مداکاری، جانباوری و اخودگذشتگی در راستای تحقق اهداف زحمتکشان، مقاومت، و دلسوری در رابطه با نوده‌های زحمتکش، محترم شمردن حقوق و شخصیت آنان در عمل، آگاه کردن و شناساندن واقعیات دنیای امروز به آنان، نشان دادن راه رهایی شان، متکی بودن به نیروی آنان و پیوند عمیق با آنها، از جمله ستهایی هستند که امروزه در کردستان پیشمرگ کومه له را با آنها می‌شناسد.

پیشمرگ کومه له به مثابه بخشی از بیکر حزب کمونیست ایران، شما به پیشاهنگ کارگران آگساز کردستان، امروزه با حضور فعالانه در میدان مبارزهٔ انقلابی امید به رهایی از قید و بند بردگی و بی حقوقی را در دل نوده‌های ستمدیده شکوفا می‌نماید و راه رهایی شان را شان میدهد. زنان ستمدیده و زحمتکش کردستان که از کوچکترین حقوق اجتماعی شان محروم گشته‌اند، عمیقاً پیشمرگ کومه له را حامی و پشتیبان و پیام آورهای خود میدانند و امروزه صداهای آنان زحمتکش و ستمدیده و پیشرو در صفوف پیشمرگ کومه له و دیگر عرصه‌های مبارزهٔ انقلابی به آغای بخش انقلابی خود می‌پردارند.

تنها کسانی که چشم دیدن سیر و روبه پیش برداری سیاسی زحمتکشان کردستان را ندارند به خود اجازه میدهند این واقعیت را انکار نمایند.

.....

کارگران و زحمتکشان آگاه کردستان و نیز تمامی کسانی که فلسفان بخاطر به پیروزی رساندن جنبش کردستان معطید، باید نیروی مسلح خود نیروی پیشمرگ کومه له را همچون مردمک چشم حراست کنند، نیرومندش با زندو با تمام توان خود از آن پشتیبانی نموده و به صف پیشمرگان کومه له بپیوندند. توانمند ساختن نیروی پیشمرگ کومه له مستقیماً بمعنای نیرومند ساختن کارگران و زحمتکشان، برای رسیدن به قدرت و رهایی از هرگونه ستم و استعمار است، بمعنای حراست از دستاوردهای جنبش کردستان و بمعنای دفاع از دموکراسی و حقوق پایه‌ای مردم کردستان، بمعنای نیرومند ساختن جنبش

مسلمانان خلق کرد و نزدیک ساختن پیروزی آنست و این وظیفه‌ای تعطیل ناپذیر بوده که در شرایط کنونی از اهمیت دوچندان برخوردار است.

رفقای پیشمرگ کومه له!

شما در مدت چند سال گذشته و در عرصه مبارزه انقلابی سیمایی نو و ستنها و ارزشهای نویی از پیشمر - گاه به تنی را در کردستان تثبیت کرده اید. که ریشه در اهداف و آرمانهای شما دارد. پیشمرگ کومه له، نیروی مسلح کارگران آگاه است در کردستان پیام آورهای طبقه کارگران و روستاییان و ستمدیدگان از قید و بند ستمدستگی نظام استثمار و رگرو ظالمانه و پرازنای برابری سرمایه داری بوده و در جهت استقرار حکومت کارگران و استقرار آزادی، برابری و عدالت اجتماعی مبارزه میکند. شما اکنون بیشتر از هر زمانی، نقطه امید و مورد اعتماد مردم ستمدیده کردستان هستید. این اگر از سویی افتخاری برایتان محسوب میگردد از سوی دیگر بدین معنا است که مسئولیت خطیرتری بر عهده دارید. شما باید بیشتر از پیش توده های استثمار شده کردستان را آگاه نمائید با اهداف و حقوقشان بیشتر آشنایان گردانید، و آنها را پاری دهی دتا مستقیما خود برای دفاع از حقوقشان بپاییزند، آنها را پاری دهی دتا از قید و بند اندیشه های کهنه رهایی یا بندوبار افکار رنواقلابی، با افکار طبقه ای خود مسلح شوند. آنها را پاری دهی دتا به آشنایان انسانهای سربلند، صاحب رای و صاحب نظر، آگاه و آزاد و جسور، جسور و برابر آزادانه عقاید و نظرات خود، جسور در مقابل سرکوبگران و مرتجعین، و استوار در راه رسیدن به حقوق و نامیسس منافعشان پرورش یابند.

نیروی پیشمرگ کومه له در این چند سال و بدنیال نخستین شهید کمونیست و پیشرو رفیق سعید (خانه) معینی، صدها تن از رفقای کمونیست خود را در عرصه مبارزه کردستان فدا نموده، که بدین مناسبت و در این روز خاطره گرامیشان را ارج گذاشته و درس و تجربه هایشان را رهنمون راه مبارزه مان خواهیم ساخت.

در خاتمه یکبار دیگر رو: پیشمرگ کومه له راه شما و تمامی توده های مردم کردستان را شادباش میگوئیم.

پیروزی با جنبش انقلابی خلق کرد

مرگ پرورژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

زنده باد پیشمرگ کومه له

کمیته مرکزی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له - ۱۳۶۲/۲/۲۵



طول موجهای: ۶۵ متر و ۷۵ متر

بالاترین: ۶۵ متر و ۷۵ متر

محدوده پهنای: ۱۲۰۲۵ - ۱۰۲۵ متران کردی

۱۰۲۵ - ۲۰۱۵ متران فارسی

محدوده: ۶ - ۷ متران کردی

۷ - ۷۰۳۰ متران فارسی

اطلاعیه

حقوق پانهای

مردم زعمتگش

در کردستان

را به پرچم

مبارزاتی

خود تبدیل

کنید!

طول موجهای: ۶۵ متر و ۷۵ متر

بالاترین: ۶۵ متر و ۷۵ متر

محدوده پهنای: ۱۲۰۲۵ - ۱۰۲۵ متران کردی

۱۰۲۵ - ۲۰۱۵ متران فارسی

محدوده: ۶ - ۷ متران کردی

۷ - ۷۰۳۰ متران فارسی



گرامی باد ۳۱ خرداد

روز پیشمرگ کومه‌له



۱۳۶۴

پ. س. ۴ - ۱۰۰۹

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه‌له

”پیشمرگ کومه‌له بخشی
از سازمان کردستان حزب
کمونیست ایران (کومه‌له)
است که بنا به ضروریات
انقلابی در کردستان اسلحه
برگرفته و برای تحقق
آرمانهای حزب کمونیست
در کردستان مبارزه میکند.
پیشمرگ کومه‌له نیروی
مسلح پرولتاریای انقلابی
کردستان است که بخاطر
سوسیالیزم و کسب حق
تعیین سرنوشت برای خلق
کرد مبارزه میکند و در
درون جنبش ملی کردستان
حافظ منافع توده‌های
کارگرو زحمتکش و دمکراسی
انقلابی در مقابل بورژوازی
است.

خصوصیات برجسته و
راهگشای پیروزی پیشمرگ
کومه‌له استحکام ایدئولوژیک
- سیاسی صفوف آن، پیوند
عمیق و فشرده با زحمتکشان،
انضباط آهنین پرولتری
در صفوف خود و جبارت و
فداکاری بیدریغ در راه
آرمانهای انقلابی طبقه
کارگراست. پیشمرگ
کومه‌له در پیشاپیش
توده‌ها جنگ انقلابی خلق
کرد را پیش میبرد و ستون
فقرات ارتش توده‌ای
زحمتکشان کردستان خواهد
بود.“

مقدمه آئین نامه نیروی پیشمرگ کومه‌له

انتقاد یا تلاش برای جوان ورشکستگی؟

(نگاهی به "انتقادات" حزب دمکرات از شورای ملی مقاومت)

دراویل امسال مجاهدات حزب دمکرات کردستان از شورای ملی مقاومت را آنگی داد. شورای ملی مقاومت اختلافی بود که نزدیک به چهار سال پیش زیر بیرق ریاست جمهوری ابوالحسن بنی‌هر، شکل گرفته بود و بدین گونه، حدود یکسال پس از بیرون رفتن، پس از بیرون کردن خود بنی‌هر، با لایحه با اخراج حزب دمکرات کردستان، و رفتن کل این اختلاف به ارکان سازنده اش، رسمیت یافت.

حزب دمکرات کردستان اخراج از شورای ملی مقاومت را بدون هیچ واکنش جدی تحمل کرد. این حزب نه تنها اجازه داده امجاد، گفتگو و رفتن را برای سال چهارم سربازی می‌کند، رسماً بیرونش پیدا زد، بلکه رفتار آشکارا موهن، و زشتی هم شاهانه و هم اما مانده ای را که جوان اول مجاهد در جریان بیرون انداختن او از خود به نمایش گذاشت، تماشا به جان خرید. گویا حزب دمکرات در میدان دیپلماسی بورژوازی و مناسباتش با احزاب و دستجات کشوری بورژوازی، خود را به تحمل کردن چنین وضعی عادت می‌دهد. وقتی این حزب با حکومت خمینی در حالی مشغول بوده است که می‌شود که این حکومت حتی حاضر به ادعای موجودیت او نیست و سران حکومت با انکار رسمی بدهستان ها، اخبار مربوطه را شاهی

برعز و تعلیم طلبی این حزب جا می‌زنند، چرا آن جوان "پاک‌بخته" در سودی جا نشینی خمینی بخود اجازه ندهد که او هم آرا این نماد موقعیت حزب دمکرات برای خود کلاهی بنماید؟ و مرغس کردن این حزب از اختلاف عملاً وارفته و ورشکسته را نه پشی برای به جلوه کشیدن قاطعیت اما مانده خود، و سرپوش گذاشتن بر ورشکستگی اختلافی که با افراش کارهای اداری اش روی دستش مانده است، قرار ندهد.

بهر رو، از این میدان دیپلماسی بورژوازی، یعنی عرصه ای که در آن اعراب و دستجات بورژوا خود را در مناسبات با هم سبک و سنگین می‌کنند بگذریم، بقیه حزب دمکرات وزن سیاسی خود را به خوبی آزموده است که بجای آنکه با جسارت سیاسی لازم از شرکا جدا شود و به این میسار د که مجاهدات پیشین بیرونش پیدا زد. اما صرف نظر از این سقوط وزن حزب دمکرات در میدان دیپلماسی بورژوازی، ناجایی که به مواضع سیاسی پایه ای تر مربوط می‌شود، یعنی در آنجا که احزاب و دستجات بورژوا صرفاً در خلوت مناسبات خانوادگی خودشان قرار دارند، بلکه با پدیده سنگین مردم را هم با حرکات و سیاست هاشان، در برابر یکدیگر می‌کین کنند، حزب

دمکرات ظاهراً نسبت به اختلافی که از آن اخراج شده، با اجازه داده که اخراجش کنند، دارای "انتقاداتی" بوده است. در میان سگسوت شرمگینانه ای که حزب دمکرات نسبت به شرکا قبلی اش انداخته، از سوی این حزب جزوه ای انتشار می‌یابد با عنوان "چند حسیه پیرامون روابط حزب دمکرات کردستان ایران با شورای ملی مقاومت"، شامل چندین مددکرات به شرکا، پنهن، در این جزوه می‌خوانیم که حزب دمکرات از اواسط سال گذشته نسبت به شورای ملی مقاومت، کم کسم دارای انتقادات سیاسی خمینی گفته است. انتقاداتی که بصورت پیشنهاداتی برای اصلاح کارشورا، و گویا برای ثبت در سینه تاریخ، طبق عرض حال هایسی خطاب به "برادرگرمی کاک مسعود رجوی مسئول شورا"، و "دوستان ارجمند اعضا شورا" مرقوم می‌شده است. این پیشنهادات در جلسه مربوط می‌شود به درخواست های، برای تصحیح مواضع و سیاست های شورای ملی در زمینه های: "ایق" دولت مذهبی، نفی آشکار و رسمی حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، حفظ ارتش حرفه ای بورژوازی - حتی با همین پیکر فعلاً موجود اسلامی - آریا مهری این ارتش، و همچنین انکار حقوق زنان تحت لوای اسلام.

از نظر گذاردن پیشنهادات، حزب دمکرات برای "تصحیح" این مواضع و سیاست های آشکارا و رسماً مددکراتیک شورای ملی

که مجاهد در مقام سرابدار شورا لجوجانه در حفظ شان مصرسوده و هست، هر چند گذرا، بجا خواهد بود، نه برای آنکه، ماهیت انتقادات و پیشنهادات حزب دمکرات برای پوئاندن این ضد دمکراتیسم رسمی مجاهد و شورای ملی بهرمان شود؛ بلکه بدن خاطر که اولاً جبن و ترس این حزب را در گسترش حتی در حرف از ضد دمکراتیسم رسمی نشان میدهد و ثانیاً روشن میماند که چرا حزب دمکرات بجای جدا شدن از شورای ملی، توهین اخراج شدن را به جان میخورد. اما، به پیشنهادات بهبود ازیم و نخست در باب طوع شورای ملی در دفاع از ابقا دولت مذهبی، در مرض حال توضیحی نماینده حزب دمکرات در "شورا" خطاب به شرکا - که تاریخ آفرماه را دارد، در این زمینه چنین میخوانیم:

بنظر ما با توجه به تجربه تلخی که مردم ایران از جمهوری اسلامی دارند و شورابا بدصراحتا و بدون اسهام خواستار جدائی دین از دولت باشد، هر آلترا تیسوی که رنگ مذهبی داشته باشد، مشکل است که مورد تائید مردم ایران قرار گیرد!

بله! "اگر است شیخ ما چه عجب! ... حزب" دمکرات که در معیت مجاهد و تحت لوای ریاست جمهوری ابوالحسن بنی صدر به حفظ دولت اسلام قیام کرده بود، پس از گذشت قریب سه سال دفاع آشکار از دولت مذهبی، در غضا خواستار جدائی دین از دولت شده است، چرا؟ چون سایه مردم به

جان آمده از دولت مذهبی بیش از حد سنگینی میکند و "هر آلترا تیسوی که رنگ مذهب داشته باشد مشکل است مورد تائید مردم ایران قرار گیرد!"

اما پیشنهاد بعدی، یعنی پیشنهاد حزب دمکرات برای تمحیح مواضع شرکایش در شورای ملی در نفسی آشکار، علنی و رسمی حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، ایسن دومی، از اولی هم برای حزب دمکرات با معنی تر است، چرا که حزب دمکرات خود حزبی است در یک جنبش ملی! حزب دمکرات پس از آنکه قریب سه سال اعتبار حضور خود در جنبش ملی کردستان را احبابی ساخته بود برای پوئاندن شوینسم و ضد دمکراتیسم شرکایش در زمینه نفی حق ملل، در اواسط سال گذشته، و بار هم در غا، خواستار قدری تعدیل در این موضع شورای ملی میگردد، در همان عرض حال یاد شده، نماینده حزب "دمکرات"، میخوانیم که این حزب خواستار شده است که شورای ملی، "شناسایی حقوق ملی، خلقهای ستمدیده ایران را بشکل خود مختاری بسا فدرالی، صرف نظر از اینکه ایسن خلقها برای آن مبارزه میکنند یا نه" بپذیرد. یا به عبارت دیگر از شرکا، کشوری اش می خواهد ضد دمکراتیسم آشکارشان در نفی حق ملل را با صمه گذاشتن بر نوعی خود مختاری برای ملل ساکنین کشور، قدری مخفی کنند، استدلال طرح شده، همراه این پیشنهاد هم به همان اندازه استدلال ضمیمه پیشنهاد قبلی جالب است، در عرض

حال گفته میشود که "ایسن امر (یعنی همان پوئاندن موضع نفی رسمی حق ملل با صمه گذاشتن بر حق ملیت ها به خود مختاری) در پیش گیری از عدم تمرکز قدرت در دست دولت مرکزی و واگذاری آن به مردم بخش های مختلف کشور کمک خواهد کرد". استدلال به زبان دیپلماتی بورژوازیی است، اما ترجمه آن به زبانی حتی المقدور بشری چنین میشود: دادن وعده خود مختاری به ملل تحت ستم کشور به پیش گیری از افتادن قدرت بدست مردم بهمنهای مختلف کشور و راج شدن قدرت تا به از دست دولت مرکزی - که شورای ملی می خواهد آنرا در دست و کمال از غمینی بقاءد، کمسک خواهد کرد!

اینجا از ما تل به روی ایسن نکته بگذریم که حزب دمکرات با زبان دیپلماتیک، تسخیر و روشن را از خود مختاری هم بدست میدهد: از نظر او خود مختاری چیزی است که به پیش گیری از افتادن قدرت بدست مردم بخش های مختلف کشور کمک میکند!

دو مورد دیگر پیشنهادات حزب دمکرات به شرکای شورای ملی، در زمینه حقوق زنان و ارتش هم درست برمدارد و موردی که گفتیم، قرار دارد، یعنی، بند دوم پیشنهاداتی است برای قدری پرده انداختن بر ضد دمکراتیسم عیان، رسمی و رسوای شورای ملی، در زمینه حقوق زنان حزب دمکرات استدعا داشته که شرکا قید و شمشیر اسلام، یعنی ضدیت علنی و رسوا گشته با

تساوی حقوق زنان را از روی سر
حقوق زنان به کناری بکشند. در
مورد ارتش هم، حزب دمکرات پس
از آنکه قریب سه سال با شوکساک
شورای ملی در حفظ و ابقای ارتش،
حتی در همین پیکراسلامی -
آریا مهری هم پیمان وهم قسم
بوده است، بیاد می آورد که مردم
گردستان شاهد بوده اند که "همین
ارتش مدت بیش از ۵ سال است که
علیه مردم گردستان سیحانه
میجنگد"! و نماینده حزب دمکرات
در عرض حالی که ذکرش رفت
مینویسد: ما خواستار انحلال
ارتش جمهوری اسلامی و سپاه
پاداران و همه نیروهای مسلح
رژیم کثونی هتیم! البته،
همانگونه که در مورد حقوق زنان،
حزب دمکرات پیشنهاد داده است که
موضع شورای ملی با کنایه گذاشتن
فیدائلامی تصحیح شود، بدون
آنکه بر تساوی کامل حقوق زن و
مرد تاکید گردد. در مورد ارتش هم
پیشنهاد عبارت از این بوده است
که موضع شورای ملی باید پیش از
انحلال "جنبش اسلام" - یعنی
ردودن آن رنگ و ملمعاتی که
رژیم اسلامی بر ارتش و دستگاه
سرکوب متعارف بورژوازی افروده
است، "تصحیح شود". بی آنکه
کلمه ای هم از انحلال ارتش
خبرهای شورژوازی و تسلیم عمومی
به میان آورد.

پیشنهادهای حزب دمکرات به
شوکان شورای ملی از این لحاظ
بوده اند، پیشنهاداتی که سر
مهر و مخفی، و گویا برای نجات
شورای ملی از ورشکستگی سیاسی،

پیش کشیده شده اند. همانطور که
اشاره کردیم ساله، ماهیت این
پیشنهادهای دمکرات، این اقدامات
معاذین است که بر پوشش
"براندازی" و "مرگ بر کمونی"
حنان مینائی از عقب مانده ترین
ارتجاع و ضد دمکراتیسم را قرار
داده اند که میتوان آنرا چند برابر
پیشنهادهای حزب دمکرات "تصحیح"
و "بارتصحیح" کرد. و گمان کار
هم حتی از یک لیبرالسم حدی
یعنی او تصدیق لفظی، دمکراسی،
گام ها عقب مانده تر ماند.

ساله بر لیبرالسم غیر
پیشنهادهای حزب دمکرات برای
یوشاندن ارتجاع معاهد و شورای
ملی نیست. ساله حسن و شرس
حزب دمکرات از اتحاد عملی همین
خرده لیبرالسم است. چرا حزب
دمکرات بخواند و نتوانسته، از
همین مواع و سیاستهای ارتجاعی
و رسوا شده، شورای ملی که سرای
برده اندا حین بر آنها پیشنهاداتی
داشته، حتی در حرف بگسلند؟ چرا
حزب دمکرات به طرح علنی این
انتقادات و با پیشنهادات خود
دست نزد؟ چرا از تصدیق علنی
رسوائی و ورشکستگی شورای ملی
طفره رفت؟ چرا این حرف لا اقل
با اعلام علنی همین پیشنهاداتش
و بر اساس آنها از شورای ملی جدا
شد؟ و چرا اجازه داد که سرایدار
شورای ملی بیرونش بیندازد؟!.

بهررو، در پاسخ به این سئوالات
یک چیز مسلم است، در این عمر قد
دموکراتیسم، ذاتی بورژوازی است
ولذا هر حزب بورژوازی برای آنکه
بخواند ضد دمکراتیسم خود را

سول به لیبرالسم یعنی تصدیق
پاره هایی از خواسته های دمکراتیک
در حرف، بیوشاندن با پند نیست
به توان خود در عرصه مبارزه سیاسی
- یعنی در آنجا که مردم افغان
می بایستند اما های هر حزب و جریان
را در عمل بساز مایند، دچار توهم
باشد، و با آنکه واقعا از اعتماد
به نفس سیاسی لازم برای پذیرش
هر چند محدود و لیبرال منشانه
دمکراسی در حرف و نقش و دشمنی با
آن در عمل، در برابر نتوده های
مردم حاضر در عرصه مبارزه سیاسی،
بر خوردار باشد، در درون جنبش
گردستان، حضور نیرومند حزب
کمونیست، جایی برای یک چنین
اعتماد به نفسی در حزب دمکرات
باقی نگذاشته است. دمکراتیسم
پرولتری و پرچم حقوق پایه ای
مردم رحمتکش که کومه له در این
جنبش برافراشته، به عنوان معیار
دمکراسی هر پوششی را که حزب
دمکرات بخواند ضد دمکراتیسم خود
را با آن بنهان سازد از پیش به
رسوائی میکشد و ضد دمکراتیسم این
این حرف در عمل را هر چه در معرض
داوری مردم قرار میدهد، در برابر
حضور نیروی پرولتاریا آگاه،
نیروی قریب و لیبرالسم بورژوازی
رنگ میبازد اما، اگر حضور
نیرومند کومه له در جنبش گردستان،
اعتماد به نفس سیاسی را از بورژوازی
در این جنبش سلب کرده است،
حزب دمکرات، به عنوان حزب
بورژوازی در جنبش گردستان به
وضع رسیده است که نسبت به
توان خود در عرصه مبارزه سیاسی
نمی تواند متوهم باشد، چرا که

این حزب پس از سه سال به بیخ - گذاشتن جنبش کردستان در نزد شرکا شورای ملی، برای هرگونه گسست لیبرال منشا نه اش هم از مواضع ضد دمکراتیسم رسمی این اختلاف، و در نتیجه برای هرگونه جدایی جورانه از رسوائی و شکست شورای ملی، خود این حزب نیز میباید "این خیانت عیسان گشته را" در رفتن به زیر بیرق ضد دمکراتیسم دولت مذهبی، نفی حق، ملل، دفاع از ارتش و نفی رسمی تساوی حقوق زن و مرد و انکار آشکار درخواست دمکراتیک، را در انظار مردم جابجواشد.

اینچنین است که خود حزب دمکرات پیشنهادات خود به شرکا سابق را جدی نگرفته، با جبن و ترس در برابر شرکا ربا ن در کام کشیده و توهین و تحقیر اخراج شدن بوسیله مجاهد و زست های جوان اول او را به جان خریده است. چرا که در این تنگنا آنچه میتواند سیاست واقعی حزب دمکرات را تشکیل دهد، همان ضد دمکراتیسم بی پیرایه و آشکار است. ضد دمکراتیسمی که این حزب در تلاش بوده و هست تا بانفی آزادیهای سیاسی به رور اسلحه و پیش بردن جنگ علیه کمه له عربا نتر به نمایش گذارد، تا مگر از این راه و روش شکستی سیاسی که شورای ملی برای او هم به بار آورده حیران شود و این حزب نتواند پس از این شکست، بار دیگر ظرفیت خود را در سردی و روزاری برای خدمت گرفته شدن دربند و بست های تازه اثبات کند.

ناصر صراوید خرداد ۱۳۶۴

بقیه از صفحه ۷

مقوق و مطالبات بر خیزند، و به جای دلخوش کردن به "دمکراتیسمی طلبی" نیروهای بورژوازی چون حزب دمکرات، در تثبیت مطالبات روشن و صریح دمکراسی انقلابی و حقوق مردم زحمتکش و تعمیل آن به چنین نیروهای بکوشند.

■ ■ ■

طبیعت زنده، شرایط کنونی حیات سیاسی کردستان، زمینه های بمنزله مسا عدتری ار گذشته را برای گسترش و تقویت و تثبیت آرمان و عقاید سیاست و سنن طبقاتی حزب پرولتاریا دز اذهان کارگران و زحمتکشان کردستان - و نتیجتاً پشتیبانی مادی - عملی آر آنها - فراهم آورده است. فعالین، موظف اند در این مکتب عملی، در دل تحولات کسوفی، افلاس ناسیونالیسم بورژوازی را به همه کارگران کردستان - نشان دهند و آنان را یاری دهند که رویات خرافات و توهومات بورژوا - ناسیونالیستی را از تفکرو اذهان و امیال و آرزوهایشان جارب کنند و متقاعدشان سازند که جرسو سیالیسم، جبرچم "آزادی برابری، حکومت کارگری، پرچم نجات دیگری برای آنان وجود ندارد، و کمکشان کنند که به حزب طبقاتی خود، حزب کمونیست ایران، بپیوندند.

جعفر نفیعی

خرداد ۱۳۶۴

بقیه از صفحه ۲۴

بودند که حتی در موارد کشف شدن و اعداهای ما - پس از عملیات، یا حتی پیش از آن - در عمق مناطق اشغالی و حتی در مجاورت شهرها هم، یا از تعقیب واحدهای ما خودداری میکردند، یا در صورت تعقیب از درگیر شدن اجتناب میورزیدند و یا در صورت درگیری بدلیل ضعف روحی عمومی، ملیرغم شرایط "مساعد" معمولاً دچار تلفات شده و عقب می نشستند. این امر که نتیجه مادی وضعیت خراب روحی نیروهای جمهوری اسلامی در تقابل با نیروهای پیشمرگ کومه له بود، پوشش مثبت با اهمیت دیگری برای ما محسوب میگردد.

احمد فاطمی اردیبهشت ۱۳۶۲

بقیه از صفحه ۲۶

کنترلش را از دست بدهد نه فقط اینبار در ابعاد بسیار گردگنده تر از گذشته ظاهر خواهد شد، بلکه خود رژیم ضد انقلاب هم فاقد هرگونه ابزار لازم برای غلبه بر چنین بحرانی است. تب راحه! ابتیار میتوان رژیم اسلامی را برای همیشه هلاک کند! تصویر هراسناکی که در برابر رژیم اسلامی قرار میگردد، احرأ عمده اش را برای هیئت حاکمه بخوشی روشن کرده است: این تصویر اعتراف است از خردگنده ترس آشوب و بحرانی درونی، آهم در برابر مردم به حان آمده ای که در همین نخستین حوا به های خوش اعترافی شان بخوشی روشن ساخته اند به چیری کمتر از مرگ کل رژیم ضد انقلاب اسلامی رضایت نمی دهند!

بقیه از صفحه ۴۰

نکاتی پیرامون وضعیت

اشنویه را با روستاهای متعدد و نسبتاً پرجمعیت دربرمیگیرد، تنها بخشهای "گورک" و "منگوران" و "سرشاخان" با تعداد انگشت شماری روستای آزاد، و از منطقه سرسورکه شهرهای بانه، سردشت و پیرانشهر را دربرمیگیرد، بخش محدودی از "بنا سورکیو" با تعداد انگشت شماری روستای کم جمعیت، و حدوداً ۴۵ روستای کوچک و بزرگ در بخش های "گورک" سردشت، "تالین" و "سوسنی" سردشت و هم چنین تعداد کمی روستای بسیار کم جمعیت و پراکنده در پیرانشهر، و از منطقه جنوب که شهرهای سنندج، مرسوان، کامیاران و دیواندره را دربرمیگیرد، حنده روستا در بخشهای "خورخوره"، "سرتشیو" مریوان، "سریله سارال" و تعدادی اندک در "سارال" و "کوماسی" و "کلانتران" مابقی مانده بود، با مساعد شدن اوضاع جوی در بهار ۶۳ یورش های گسترده جمهوری اسلامی به مابقی مانده مناطق آزاد آغاز گردید، و در پی این یورش ها بخشهای "قابل ملاحظه ای"، "اراقی مانده"، همین مناطق هم به اشغال درآمد.

اما در شرایطی که جمهوری

اسلامی با اشغال کردستان و کسب امتیازات سوئی الحشی بیشتر، ما رانست به سال ۶۲ دچار تصفیقات تازه تری در زمینه ارتباطات، تدارکات، خدمات درمانی، سیج نیرو و همچنین ادامه کناری ارگانهای محلی نموده بود، ما قادر گشتیم علیرغم دشواریهای جدی ناشی از ویژگی جنگ در شرایط سال ۶۳، پاسخ شرایط تازه را بیاوریم.

اینک در خاتمه یک سال دیگر از جنگ انقلابی، جنبش ما صاحب دستاوردهایی نا ز پس نگرفتیمی گردیده است. در آغاز سال جدید ما دارنده ارزیابی هر چند مختصر - و نه الیاً همه - دستاوردهای یکساله جنگ انقلابی در کردستان بهر داریم.

اساسی ترین هدف نظامی ای که جمهوری اسلامی را اشغال کردستان تعقیب میکرد این بود که: شبکه های پایگاهی خود را به سراسر کردستان بسط داده و به این ترتیب با استفاده از نقطه اتکایی که این شبکه های وسیع و فراگیر، با چند هزار پایگاه موجود می آورد، گروه های ضرت را در سراسر کردستان بحرکت درآورد. این گروه های ضرت دارای استعداد پرسنلی نسبتاً کوچکی بودند و عموماً به تجهیزات سبک و نیمه سنگین مجهز گردیده بودند. بنا بر این امکان می یافتند با اتکا به نقش تائینی

شبهه پایگاهی موجود، با سرعت قابل ملاحظه ای مناطق عمقی روستایی را در جستجوی واحدهای ماطی کنند، انتظار جمهوری اسلامی از این کیفیت این بود که واحد های پیشمرگه علی العموم و اداریه تحرک زیاد - و در نتیجه فرسوده - کردند، که از طرف دیگر در چنین شرایطی که امکان کشف شدن واحدهای پیشمرگه در حال فعالیت در منطقه دشمن تسهیل را بدید، این واحدها مجبوره تقسیم شدن به احرا کوچک و کم توان و بالتبع کم خطر بشوند، فعالیت این گروه ها در نهایت میبایست منجر به این میشد که واحدهای پیشمرگه نتوانند در مناطق اشغالی حضور پیدا کنند و یا در صورت حضور، سریعاً تحت تعقیب گروه های ضرت فرسوده شده، کشف و سپس در صورت کوچک بودن واحدها، توسط همان گروه های ضرت منهدم شده و در غیر این صورت با وارد میدان شدن یگانهای عمده تریکی پس از دیگری معاصر و سرکوب گردند. بنا بر این حداقل انتظار جمهوری اسلامی در شرایط جدید این بود که نیروهای پیشمرگه راه موضعی غیر فعال و کاملاً دفاعی بیاندازد. چرا که از نقطه نظر استراتژیهای جمهوری اسلامی، در پی تکمیل اشغال کردستان، واحدهای پیشمرگه تمام برتری های سوئی الحشی خود را از

■ - بدیهی است که تحلیلی دقیق از اوضاع نظامی کردستان بدون توجه به پارامتر حزب دمکرات کامل نخواهد بود. از اوخر پائیز ۶۳ با یورش حزب دمکرات به مراکز ما در اورامان و تحمیل یک جنگ سراسری به ما، عملاً در گسترش فعالیت نظامی ما علیه جمهوری اسلامی ممانعت بعمل آمد، بنا بر این آنچه در اینجا مورد بحث قرار میگیرد عمدتاً به فصول بهار و تابستان و پائیز ۶۳ مربوط میباشد.

دست میدادند و از سوی دیگر از امکانات و پشتیبانی توده‌ها، محروم می‌گشتند. در عین حال جمهوری اسلامی انتظار داشت که در بهترین حالت با وارد آوردن ضربات سنگین نظامی به نیروهای پیشمرگه، بیش از گذشته خود را به مردم تحمیل گرداند.

اما برخلاف دیدگاه رایج جنگ پارتیزانی^{*}، مادر سال گذشته یکبار دیگر تجربه کردیم که شرط ادامه کاریمان نه صرف وجود مناطق آزاد با کوهستان‌های صعب‌العبور، یا وجود خطوط ارتباطی گسترده، بلکه اتکاء واقعی و عملی به حمایت مادی - معنوی توده‌های مردم زحمتکش و آگاهی است که حاضرند تمام استعدادها و امکانات خود را در اختیار ما بگذارند. ما اثبات کردیم که اگر وجود کوه‌های سخت، نقل و انتقالات نظامی دشمن را کند می‌کند، اگر وجود جنگل‌های انبوه به درجه معینی به اختفا و استتار واحدهای ما کمک می‌کند، اگر دردها حرکت نسبتاً پوشیده و امن واحدهای ما را تأمین می‌کند،

بخش زیادی از این امتیازات طبیعی و جغرافیایی می‌توانند تحت شرایطی معین، مقصور بر تری‌های نظامی حریف گردیده و یا بهر حال محدود گردند. کما اینکه بخش عمده این امتیازات طبیعی قهراً بوسیله جمهوری اسلامی اردستان نیروهای پیشمرگه خارج گردیدند. در چنین شرایطی اگر ما نیز می‌خواستیم پراتیک نظامی خودمان بر علیه جمهوری اسلامی را صرفاً به امکانات و امتیازات جغرافیایی - طبیعی متکی کنیم، راهی جز در غلطیدن به موضع غیر فعال دفاعی نداشتیم. در چنین حالتی می‌بایست واحد معمول نیروی پیشمرگه کومه له (گردان) را کوچک کنیم، از فعالیت در بخش اعظم کردستان، به‌خصوص شهرها و حومه آنها چشم‌پوشیم و یا لااخره انتظارات و اهداف خودمان را تقلیل دهیم. این در واقع یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های جمهوری اسلامی بود. اما سیاست نظامی ما نمی‌توانست از کل سیاست‌هایمان جدا باشد. به همین دلیل اساسی در همان شرایطی که حادی ترسین

تصبیقات نظامی، در عرض ۶ سال گذشته برای ما بوجود آمده بود، ما تصمیم گرفته بودیم فعالیت نظامی خودمان را در وسیع‌ترین سطح ممکن و در عمق مناطق اشغالی ادامه دهیم، علاوه بر این نه تنها بر مناطق ایزوله، کم جمعیت و دور افتاده اتکاء اساسی نداشته باشیم، بلکه گوشه‌نشینی مرکز نقل فعالیت نظامی خودمان را به مناطق پر جمعیت که عمدتاً شهرها و حومه شهرها را در بر می‌گیرد، منتقل کنیم. طبیعی بود که این سیاست در شرایط اشغال کامل کردستان، در صورتی می‌توانست اتفا‌نشود که مشکلات معینی از پیش پای واحدهایمان برداشته می‌شد. می‌بایست مسأله تدارکات سنگین واحدهایمان را علی‌رغم امکانات تشکیلاتی محدود حل کنیم، برای واحدها امکان استراحت و تمدد نفوذ فراهم کنیم، جهت وارد آوردن ضربات نظامی اقدام به کسب اطلاعات و شناسایی رزمی بنمائیم، در همان حال در سخت‌ترین شرایط سگردنظامی، تا هنگام عملیات، واحدهایمان را از چشم دشمن مخفی

» - بدینست به جنبه‌هایی از دیدگاه رایج اشاره کنم: "چه‌گوارا" می‌گوید: "اطراف شهرها یعنی منطقه‌ای که برای جنگ پارتیزانی مساعد نیست" چرا که "باید داشت در منطقه‌ای که دشمن می‌تواند به سرعت عبور و مرور کند، بار ترسانها امکان نخواهند داشت خودشان را مخفی کنند". دلایل اساسی تر این احکام - که به مراتب سال گذشته ما بطور کامل مایل بودن آنها را نشان داده است - را از غلال نقطه نظرات بر سر رابطه ما شرایط فعالیت "جریک" می‌توان مرور کشید: "در صورت حضور در چنین مناطقی امکان آن هست که اهالی آن منطقه عبور و مرور بر بار ترسانها را مشاهده کنند و جهت راهپیمایی پارتیزانها را افشا نمایند" و بنا بر این "پارتیزان روز به روز بی‌آنکه به آبادیهای روستایی نزدیک شود زندگانی می‌گذرانند و سوسسته متوجه آنست" که آسوی اهالی دیده نشود! در واقع در این جا توصیه می‌شود که از تمام آنچه که بقا و پیشرفت این جنبش را در سال گذشته تضمین و تأمین نمود، پرهیز کرده

نقل قول‌ها از: "جنگ پارتیزانی - چه‌گوارا"

ما به هوس و آواغ سر می کشند و اگر بهیچ دهنده، انبار کارگانه و مهمات بسازد، زخمیهای ما را از یک محل به محل دیگر منتقل کند، ارتباط واحدهای ما را بیکدیگر وصل کند، اطلاعات جمع آوری نماید و... این سنت مبارزاتی است که ظرفیت غلبه این جنبش را بر مشکلات و تفریقات احتمالی آینده، و شکست نا پذیری آنرا علیه فرم فشارهای هر چه بیشتر دشمن، بیش از گذشته اثبات میکند.

به این ترتیب یکی از اساسی ترین مشکلات ما برای تداوم فعالیت نظامی ما در مناطق اشغالی، یعنی امور لجستیکی واحدها، مساله کسب اطلاعات و امور حفاظتی و امنیتی واحدها تا حد زیادی رفع شد. اما صرف گسترش روی آوری به توده های مردم برای تغییر شرایط کافی نبود. حرکت در جهت تحقق اهداف استراتژیک جنبش حکم میکرد که از شرایط نظامی عملی جمهوری اسلامی تبعیت نکنیم، جمهوری اسلامی امیدوار بود که پس از کسب امتیازات سوق الجیشی فوق الذکر در موقعیت تعرضی مستحکم قرار گیرد، و ما مضم بودیم در شرایط جدید نیز همچنان به پیش برویم. به همین منظور میبایست از تشبیه موقعیت تعرضی نیروهای دشمن جلوگیری کنیم. بنا بر این نیابست از نیروهای تعمیلی،

برای حل تمامی مشکلات فوق، مستقیماً به توده های مردم روی آوریم. تمام واحدهای رزمی ما را در عمده اقلام تدارکاتی در محل و از طریق مردم تامین کردیم. انبارهای تسلیحاتی ما را در سطحی گسترده و در عمق مناطق اشغالی، به منازل و مزارع مردم منتقل کردیم. بمنظور اختفاء واحدها، چه قبل و چه بعد از عملیات، بخصوص در مواردی که واحدهای دشمن از حضور واحدهای ما در منطقه ای مشخص اطلاعات نسبتاً موثقی بدست آورده بودند، به روستاها - حتی روستاهایی که در محاورت پایگاه های دشمن قرار داشتند - رجوع کردیم. به اطلاعات توده های مردم زحمتکش، در رابطه با نقل و انتقالات و طرح های تعرضی دشمن اتکا کردیم و برای انجام عملیاتهای تعرضی بر علیه دشمن در سطحی گسترده، چه در شهر و چه در روستا، به امکانات توده ای متکی شدیم و حضور نظامی در شهرها، مراکز قدرت و حاکمیت جمهوری اسلامی را تبدیل به امری متداول و عادی کردیم.

این یکی از بهترین عوامل پیشروی ما در سال گذشته بود. اکنون هر زحمتکش شرافتمندی آموخته است که چگونه یک واحد تمام و کمال پیشمرگه را از نظر دشمن پنهان کند، چگونه گروه های ضرت که در تعقیب واحدهای

نگهداریم، دشمن را اغافلگیر کنیم و ضربه را وارد آوریم و سپس همان واحدها را پس از انجام عملیات، به همراه اسرا و غنائیم بدست آمده، در میان مناطقی که سریعاً تحت پوشش و کنترل واحدهای ضرت و دیگر یگانهای رزمی دشمن درمی آمایند به نقطه ای دیگر منتقل نمائیم. اما حل این مشکلات و معضلات - که جمهوری اسلامی جدا به آنها امید بسته بود - برای ما کار چندان دشواری نبود زیرا:

اولاً: تلاش ما همواره این بوده است که جنبش را با اتکا به نیروی مردم زحمتکش هدایت کرده و به بیش بریم و ثانیاً: توده های مردم کردستان طی چند سال گذشته با شرکت و پشتیبانی وسیع و بی دریغ خود نشان داده بودند که منبع لایزال انرژی انقلابی هستند. و جمهوری اسلامی فقط توانسته بود کوه ها را فتح کند، نه راده این مردم انقلابی را جمهوری اسلامی با اشغال کردستان سر آشفشان غم و نفرت مردم کردستان نشست و همین بزرگترین و اساسی ترین نقطه ضعف رژیم است.

بهر حال ما در شرایط جدید - در ابعادی گسترده تر از گذشته - انرژی انقلابی توده ها را یکبار گرفتیم و در این میان شاهد فداکاری ها و از خود گذشتگی های کم نظیر توده های مردم بودیم. ما

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

مفهوم درگیری با واحدهای متحرک دشمن جونداری کنیم. خود را از برابریکنان تفرقات گمراه کرده دشمن کنار بکشیم و در همان حال ضرباتی در پی خود را متوجه سه واحدهای متحرک، مخصوص گروه های ضربت بنماشیم. در نقل و انتقالات دشمن در پشت جبهه اغلال کنیم. ملقه های موشنیکه های با یگان های را تضعیف کنیم و حلقه های تضعیف شده را میان ببریم.

درواقع تحقق این سیاست ناگسستی که از سیاست نظامی متا برای درهم کوبیدن و بیرون راندن موای اشغالگران کردستان نتیجه میشود، در عمل مفهومی بحر تعرض نمی توانست داشته باشد. در عین حال تحقق شاخص های عمایاتی فوق بدون ایجاد تفسیرات محلی در آرایش واحدها و تکنیک جنگی

ناکثونی میسر نمیشد. این تفسیرات در شرایط جاس آتیوقع کردستان سرپا میبایست صورت میگرفت و ما توانستیم علیرغم تحمل بعضی قربات - بخصوص در جنوب کردستان - دستاوردهای با ارزشی در زمینه چگونگی متحرک نیرو و برآکندگی و تلفیق و ارتباط ایست و یا یکدیگر در عملیات های نظامی، نحوه حرکت مناسب واحدها در مناطق اشغالی کسب کنیم.

آرایش مناسب نیروها میان در بین اتکا محکم و گسترده تر بر توده های مردم، اتحاد سیاست تعرضی ما را در تمام کردستان میسر ساخت. در پرتو این سیاست تعرضی، واحدهای مانده تنها سه موصی دفاعی نیافتادند، بلکه براساس کردستان را به میدان جنگی فعال بر علیه نیروهای جمهوری

اسلامی تبدیل گردید و به سبب مطلوب آن فقط جنگ یعنی سلب ابتکار عمل از جمهوری اسلامی دست یافتند.

این تعرضات و تلفاتی که در نتیجه آن بر نیروهای جمهوری اسلامی وارد گردید، یگان های دشمن را ادا را به گرفتن موضعی دفاعی نموده تا آنجا که تعرضات ریز و درشت واحدهای جمهوری اسلامی پس از تکمیل اشغال کردستان و اوچگیری تعرضات ما، نه پسرای انعام عملیات های " محاصره و سرکوب " بلکه اساسا از موضعی دفاعی و منظور اعلان حضور و نا امن کردن منطقه صورت میگرفت. نیروهای جمهوری اسلامی بدرجه ای ابتکار عمل را از دست داده

بقیه در صفحه ۳۵

۱۰

۱ - در یکسال گذشته از مجموع ۶۵۶ عملیات پیشمرگان کومله که منجر به کشته و زخمی شدن ۵۱۰۰ نفر از نیروهای جمهوری اسلامی و اسیر شدن ۴۲۶ نفر دیگر از آنها و اسیر شدن ۱۹۵ خودرو، بدست آوردن ۶۴۷ قفسه اسلحه، سبک و سنگس ۱۷۳۶۶۰ عدد اسلحه فشنگ گردید، در دست عملیاتهای تحمیلی (آ) عملیاتهایی که اینکا را از خوارمان و مکان عملیات در دست جمهوری اسلامی بوده است) به کل عملیاتها در مناطق سه گانه سرسور، مکران و جنوب به ترتیب: ۷/۱۴٪ و ۵/۷٪ و ۲۱٪ بوده است. این قسمت در کل کردستان با احتساب نواحی ارومیه، کرمانشاه و اورامان به کمی بیش از ۱۶٪ محدود میگردد.

در همین رابطه بدست اشاره ای هم به سروشت یکی از مهمترین شاخصهای جمهوری اسلامی در کردستان بکنیم: لشکر ۲۳ نوه که سرمای تب نیروی مخصوص ارتش شاهنشاهی ایجاد گشته است، در حال حاضر دو تیپ ما مورد کردستان دارد. اس یگان " یگان ضربت " و یا به عبارت دیگر " یگان واگش سریع " نیروی زمینی جمهوری اسلامی میباشد و از آموزشهای پیشرفته، گماندویی سرخورداری و با تسلحات ممتاز تجهیز گردیده است. این نیرو میبایست طبق تعریف در عملیاتهای " محاصره و سرکوب " علیه واحدهای پیشمرکه نقش اصلی را داشته باشد. گل سرسید نیروی زمینی جمهوری اسلامی در نتیجه قربات پی در پی واحدهای پیشمرگ و تلفات سنگین وارده، بخصوص در ناحیه پانه، کلا در زمین گیرند.

کارگران و زحمتکشان! به صفوف رزمندگان کومله پیوندید.



سختی پیرامون اختلافات درونی رژیم

حکومت وضع بزور تب اختلافات هم

شکل وارونه میگرد تب اختلافات
اکنون از همانجایی شروع به

برخاستن میکند که تاکنون ملجا
فرو نشاندن و خفه کردن آن بوده

است. و رشکمنگی مالی دولت،
کسر بودجه عظیم دولت فلج اقتصادی

و فقدان هرگونه سیاست های معی
و روشن برای تعیین تکلیف بخشهای

خصوصی و دولتی اقتصاد، و بالاتر
از همه از دست رفتن هر گونه

ظرفیت های سیاسی رژیم برای
مقابله با تهدید برآمده های تودمان

که حوانه های پیش آشکار گشته است و
همراه اینها درهم ریختگی سیاسی

و تشکیلاتی باند های سیاه حکومتی
که بنظر میرسد صرف مطلق برای

مرگ خمینی قادر شده است آنها را
کنار هم نگهدارد، اینبار کسل

رژیم خدا انقلاب اسلامی را حول همان
"مساله املی" اش در معرض تب و

شکاف قرار داده است، به صد در صدن
نه فقط موجوداتی از قماش بازرگان،

بلکه همه به رمیدن آخوندهای قم
و تهران و مشهد هم بلند شده است.

خمینی که مادیت داشته آخوندها و
باندسیاهی های حکومتی اش را بیا

ترساندن آنها از تبخ انتقام
انقلاب ببط کند، دیگر برای توحیه

رمیدن آخوندهایش، خود و
حکومتش را چنین دلدار می دهد

که حتی با پیغمبرها هم تمام است و
اصا بشان تا آخر همراه نبوده اند!

... آنچه گاملا آشکار است این
نکته است که رژیم اسلامی با رژیم

آمنتن بحرانی حکومتی است،
بحرانی که چنانکه حکومت مهابار

بقیه در صفحه ۲۵

امپریالیستی بر رژیم اسلامی برای
کشودن این "مغل املی" اش

عنان میزنند، چرا که برای قدرت
... های امپریالیستی آنچه تعیین

کننده بنیان سیاست ها بشان میباشد
فقط صرف نگهداشتن رژیم متزلزل

اسلامی در ایران، آنهم به قیمت
برهم خوردن کسل مناسبات و

سیستمهای حکومتی در سطح منطقه
نبی تواند باشد و نیست. برعکس،

از نقطه نظر این سیاست ها رژیم
اسلامی که برای خفه کردن انقلاب

ایران و مسخ تمایلات و هوکرات
انقلابی در منطقه روی کار آمد،

اسا باید در جهت اعاده و تحکیم
ثبات و نظم امپریالیستی در منطقه

خدمت کند، زیر فشار این توقعات و
سیاستهای امپریالیستی که اینبار

همان مساله املی نقطه خروج تب
و آشوب رژیم اسلامی میگردد.

بخصوص اکنون که فریادهای اعتراض
ضد جنگ آشکارا از بسیاری شهرها و

کوی و برزن ها شنیده شده و تهدید،
خود را هم در افق سیاسی آشکار

کرده است، چنانکه رسم حکومت
بود، تا حال تب اختلافات درونی

را که بی دربی حول سیاست های
اقتصادی، حول مسئله بخش دولتی،

بوده، و مسائل امنیت قضایی و
غیره سرور میگردد، هر بار با فرمول

جنگ مساله املی است فرو می نشاند،
اما اکنون از یکجمله در تنگنای

وضعیت جنگ و از سوی دیگر تهدید
حوش های اعتراضی، در درون

قدا ما بیماری می شناختند به
اسم "تب راجعه"، تبی که مکررا

با زمی گشت و هر بار که فروکش میکرد
بیمار را بدین زگشت تب با عدتسی

بیشتر را انتظار می کشید، اگر
بخواهیم از این اصطلاح بیماری

شناسی قدیم استفاده کنیم،
جمهوری اسلامی آشکارا دچار تب

راجعه است، بیماری که با آن
متولد شده و اگر در طول این چند ساله

عمر تنگنیش هر بار نتوانسته با نزاج
و خانه تکانی ها بیماری را موقتا

تخفیف دهد، دوباره به سراغش
آمده و درمانی هم ندارد، جز آنکه

هلاکش کند!

اینکه مرض با رژیم دارد عود
میکند، علائمش بر همه عیان است.

اینبار ظاهرا، مساله جنگ نقطه
شروع و درگیری تب است، اسا

حکومت، جنگ را بعنوان "مساله
املی" فرموله کرده است - بدین

معنا که توفیق در جنگ را پیش شرط
پرداختن به تمام مسائل دیگر

سیاستهای داخلی و سیاستهای
اقتصادی و غیره قرار داده است.

چنین درکی از طرف حکومت البته
دارای زمینه ای واقعی است.

چرا که توفیق در جنگ برای رژیم
اسلامی به این معناست که خود را

بعنوان رژیم سرکوب انقلاب سزای
دوره طولانی تری در نزد قدرت ها و

دول امپریالیستی تحکیم و تثبیت
کند، اما همانطور که نتایج آخری

دور جنگ آشکار کرد، قدرت ها و دول

ن = ۱۹ ، ۲۴ ، ۱۰ و غیره .

آموزشهای فنی برای فعالیت مخفی

رمز و جدول رمز

برای درست کردن چنین جدول رمزی ابتدا بر روی یک کاغذ سفید تمام حروف الفبا را به ترتیب زیرم بنویسید . شکل زیر :

الف

ب

پ

ت

... .

تا آخر

در آخر بعد از حروف الفبا علامتی را که در نوشتن ربا دیگر آورده میشود (از قبیل نقطه ، کاما ، علامت سؤال و ...) را بنویسید . به دنبال این علامت بعضی از کلمات را که مصرف زیادی دارند مجدداً زیرم بنویسید (مثل را ، از ، تا ، او ، من ، رفت ، کرد ، نام شهرتان ، نام محله تان و غیره) . بعد از این کار روی یک کاغذ دیگر اعداد از ۱ تا ۲۵۰ را به ترتیب بنویسید . حال این دو کاغذ را کنار هم بگذارید و سپس از بالای صفحه ای که حروف الفبا را روی آن نوشته اید شروع کنید و در مقابل هر حرف ، هر علامت ، و هر کلمه ، سه عدد بنویسید . مثلاً

الف = ۱۰ ، ۵۰ ، ۱۲۰

ب = ۱۰۰ ، ۱۶۰ ، ۲۰۰

پ = ۱ ، ۱۸ ، ۱۶

شکل (۲)

تا آخر

بگذاریم که هیچکس حرمای و شما آنرا نداند و اگر گزارش هایمان را با استفاده از این علامات بنویسیم طبیعتاً اگر گزارش ما بدست دشمن هم میفتند نخواهد توانست از آن سردر آورد . مثلاً با مجموعه ای از اعداد در و س و بیش و که ظاهراً معنایی ندارند و اگر احیاناً متوجه شود که نامه ای رمزی است - چنانچه رمز ما خوب باشد - باز قادر به کشف آن و دستیابی به اطلاعات نخواهد بود . پس رمز در حقیقت عبارت از مجموعه علامتهائی است که پس از دوتفرگذاشته شده که با استفاده از آن میتوانند مطالب خود را برای هم بنویسند بدون اینکه کسی دیگری بتواند موضوع را بفهمد .

رایج ترین و ساده ترین علامتها ، اعداد است . یعنی مثلاً بحسب سنج بنویسیم ۲۵۰ و بحسب الف بنویسیم ۵ یا ۲۰۰ و غیره .

برای رمز نویسی می توانیم انواع مختلف جدول ساده و پیچیده را تهیه کنیم و آنرا به مرور در چندین نامه برایمان بفرستیم . در اینجا ما چونگی تهیه و ارسال یک جدول رمز ساده را توضیح میدهیم تا رفقاً کاملاً با آن آشنا شوند و بتوانند خودشان جدول رمز تهیه کنند و برای ما بفرستند .

در این جدول رمز برای هر حرف ما چند عدد بدست خواهیم داشت . مثلاً

۴ = ۱۵۰ ، ۲۲ ، ۴۵

ک = ۱۳ ، ۲ ، ۳۵ شکل (۱)

امروزه گزارش دهی کتبی یکی از اشکال اصلی امر گزارش دهی در کار تشکیلاتی است . کار تشکیلاتی بدون گزارش دهی دقیق معنایی ندارد و گفتم که نوشتن گزارش یکی از اشکال مهم و پایه ای کار تشکیلاتی است .

ما رژیم جمهوری اسلامی و سایر نیروهای بورژوا همواره در مدد ضرب زدن به تشکیلات مسا هستند و یکی از راههایی که میتوانند به آنان در انجام مقصودشان یاری رسانندست بایی به گزارش های تشکیلاتی رفقای ما خوانند و آنهاست . بورژوازی با بدست یافتن به این گزارش ها و اطلاع از آنچه که در آنها نوشته شده امکان مییابد اطلاعاتی از ما بدست آورد که با بهره برداری از آنها قادر خواهد بود به ما لطمه بزند . بنابراین ما باید گزارش هایمان را طوری بنویسیم که حتی اگر بدست این نیروها افتاد نتوانند از آن سردر آورند .

برای این کار ما از دو شیوه توأم با هم استفاده می کنیم : رمز نویسی و نامرئی نویسی . که در این شماره رمز نویسی را توضیح میدهیم و در شماره آینده با مرئی نویسی را .

اگر ما بجای استفاده از حروف الفبا و کلمات ، علامتهائی (مثلاً اعدادی) را بین خودمان قرار داد

ی	تقابل آنها اعدادی را قرار دهید .	۲۱۷ - ۴ - ۵۰ - ۲۱۹ - ۱۱۷ -
؟	حال شما دارای یک جدول رمز	۱۰ - ۱۳۰ - ۹ -
•	ساده هستید . برای جدول رمزتان	
از	یک یا چند نام انتخاب کنید (مثلا	
را	علی - ۱۲۵ ، هاشم - ۱۵۰ و غیره) و	
رفت	یادتان باشد که در اول نامه -	
•	هائیتان نام جدول رمزتان را	
•	بنویسید ، نامه در نوشته ها و یا	
•	پیام های رادیویی می توانیم شما	
	را با همین اسمی مورد خطاب قرار	
	دهیم .	
	برای رمز کردن می توانید از	
	راست به چپ رمز کنید . مثلا اگر	
	جدولی به شکل زیر داشته باشیم	
	الف ، ۱۰ ، ۵۰ ، ۱۲۰	
	ب ، ۲۵۰	
	ج ، ۱۰ ، ۱۸ ، ۱۶	
	د ، ۲۰ ، ۹ ، ۲۱۰	
	س ، ۲۱ ، ۳ ، ۱۵۰	
	ص ، آموزش های فنی	
	س ، ۲۱ ، ۳ ، ۱۵۰	
	ش ، ۵ ، ۲۱۵ ، ۲۱۷	
	م ، ۲۱۹ ، ۲۲۵ ، ۴	
	ن ، ۲۴۲ ، ۷ ، ۱۳	
	ی ، ۱۴۲ ، ۱۱۷ ، ۱۳۰	
	حمله ، حسن پیش شما می آید	
	شکل زیر در می آید .	
	۱ - ۱۵۰ - ۷ - ۱۰۰ - ۱۴۲ - ۵	
	هر عددی را که در مقابل حروف	
	و علامات ها و کلمات می نویسید ،	
	حتما از لیست عددها پتان خط بزنید	
	تا به اشتباه آنرا مجددا برای حروف	
	دیگر بکار نریمید . دقت کنید که	
	انتخاب اعداد باید کلا ملانا مرتب	
	باشد مثل مثال فوق .	
	به همین ترتیب تا آخر لیست در	
	مقابل هر حرف یا علامت و یا کلمه	
	به عدد قرار دهید .	
	حال اگر به لیست اعدادتان	
	نگاه کنید متوجه میشوید تعدادی	
	اعداد باقی مانده اند که هنوز	
	مورد استفاده قرار نگرفته اند .	
	در هر زبانی تعدادی از حروف	
	الفبا بیشتر از دیگر حروف مصرف	
	میشود ، بنا بر این برای جلوگیری	
	از کشف رمز باید برای این	
	حروف ، اعداد معادل بیشتری	
	قرار دهیم . در فارسی حروف الف ،	
	د ، ت ، م ، س ، و ، ی ، بیشتر از	
	سایر حروف مصرف میشود .	
	لذا در لیست حروفتان ، در مقابل	
	این حرف ها ، چند عدد دیگر هم	
	افزوده کنید و این اعداد را از لیستتان	
	خط بزنید . اگر با هم عددا اضافی	
	داشتید در پایان جدول برای نام	
	خیابانها ، برای دادن آدرس و	
	غیره نیز کلمات را ردیف کنید و در	
	در نامه اولتان این لیست را	
	برای ما بفرستید (یادتان باشد	
	که نامه باید در یک نسخه و نه مرئی	
	باشد) ، بعد از اعلام دریافت نامه	
	تان از رادیو ، در نامه بعدی (که	
	ایضا باید نام مرئی در یک نسخه	
	باشد) اعداد معادل علامت های	
	قرار دادیتان را برای ما ارسال	
	کنید . مثلا اگر جدولتان به صورت	
	شکل شماره ۲ باشد ، لیستتان	
	بصورت زیر خواهد بود .	
	۲۸ = ۱۲۰ ، ۵۰ ، ۱۰	
	۱۲۸ = ۲۰۰ ، ۱۶۰ ، ۱۰۰	
	و غیره .	
	به این ترتیب ما بعد از	
	دریافت نامه دومتان می فهمیم	
	که :	
	الف = ۱۲۰ ، ۵۰ ، ۱۰	
	ب = ۲۰۰ ، ۱۶۰ ، ۱۰۰	
	والی آخر .	
	آنچه که شرح دادیم چگونگی	
	تهیه و ارسال یک جدول رمز ساده	
	بود ، اما جدول های پیچیده تری	
	را نیز به ایما خودتان می توانید	
	تهیه کرده و بر ایمان ارسال دارید .	
	بقیه در صفحه ۳۵	



اخبار

جنبش انقلابی

کردستان

مروری کوتاه بر فعالیتهای نیروی پیشمرگ کومه له

از ۲۰ اردیبهشت تا ۲۰ خرداد ۱۳۶۴

۱. عملیات نظامی پیشمرگان کومه له

علیه

نیروهای جمهوری اسلامی

ناحیه مریوان

قرارگاه مزدوران جنرالده در داخل شهر مریوان زیر ضربات سنگین پیشمرگان کومه له قرار گرفت.

شیانگاه ۶۴/۲/۲۹ واحدهای از پیشمرگان کومه له از گودان کاک فواد وارد شهر مریوان شدند و در اطراف قرارگاه بزرگ نیروهای جنرالده و در محلهای از پیش تعیین شده مستقر شدند.

رفقای ما ساعت ۱۱ شب، همزمان از تمام جهات قرارگاه دشمن (غافل از پایگاه و محل استراحت مزدوران و سگرها و استحکامات نظامی) را بر ضربات خود گرفتند، بر اثر اصابت موشکهای آربی جی ۷۰ به ساختمان قرارگاه، قسمتی از آن ویران گردید، نفرات دشمن سراسیمه و هراسنا میگردند و در حین فرار زیر کسار تیرباران و مسلسلهای سنگین پیشمرگان قرار گرفته و متحمل تلفاتی شدند.

سایر قرارگاهها و پایگاههای جمهوری اسلامی در نقاط مختلف شهبخت زده به هروقتیراندازی

میکردند. تعرض پیشمرگان تا حدود ساعت ۱۲ شب ادامه یافت و این در حالی بود که مزدوران رژیم قادر به هیچگونه مقابله، موثری نبودند. در اثر این عملیات بخشی از ساختمان و تاسیسات نظامی دشمن منهدم گردید. و بیشتر از ۲۰ تن از افراد جنرالده به هلاکت رسیده و تعداد دیگری مجروح شدند. در حین عملیات گروههای کسری از مبلغین حزبی در اجتماعات مردم روستاهای حومه، شهر به سخنرانی پرداختند.

پیشمرگان پس از اجرای ماموریت همگی سالم محل را ترک کردند.

یورش تلافی جویانه، نیروهای رژیم در حومه، شهر مریوان با شکست سنگینی روبرو گردید.

پس از ضربه، روز ۲۹ اردیبهشت به نیروهای جنرالده در داخل شهر مریوان، نیروهای سرکوتگر رژیم به منظور تلافی این شکست، نیروی زیادی را جمعآوری کرده و در اولین ساعات صبح روز ۶۴/۲/۳۰ یورش گستردهای را به روستاهای حومه، شهر مریوان شروع کردند.

پیشمرگان که از طرح دشمن آگاه بودند در منطقهای وسیع مایین دوجاده، بالا و پایین مریوان - سنجد - دره کیلومتری شرق

با دگان بزرگ مریوان - موضع گرفتند. در حالی که واحدهای در حال پیشروی رژیم به ارتفاعات نزدیک میشدند از فاصله نزدیکی ریزش متهم پیشمرگان قرار گرفته و طولی نکشید که با برجا - گذاشتن اسلحه ها به دشمنان دست به فرار زدند. پیشمرگان به منظور تسخیر مواضع دشمن بلافاصله تعرض متقابل را شروع کرده و بخشی از بلندبهارا در دست گرفتند پس از چند ساعت جنگ تن به تن و سگربه سگربه، دشمن مهاجم که قادر به مقابله رویا روی با رفقای ما نبود، افراد خود را به عقب کشیده و با استفاده از آتش توپخانه و سلاحهای سنگین منطقه را شدیداً گلوله باران کرد. و همراه با آن واحدهای خود را ساارمان داده و آنان را مجدداً به سمت ارتفاعات کسل داشت. اما به محض اینکه محداد در همان نقاط ریزش پیشمرگان قرار گرفتند با سرعتی بیشتر از پیش دست به فرار زدند. از ساعت ۱ بعد از ظهر، پس از آنکه نیروهای دشمن کاملاً به موضع دفاع صرف افتاد و منصرفی نبودند با منطقه، عملیاتی را تخلیه کنند. پیشمرگان کومه له تعرضی همه جانبه و سریعی را علیه آنان شروع کرده مواضع مزدوران را یکی پس از دیگری تسخیر کردند و

نیروهای مهاجم رژیم را در پراکندگی وسیع سازمانی پیکان متواری ساخته. بدین ترتیب در این درگیری که ۹ ساعت به طول انجامید تلفات سنگین بر مزدوران جمهوری اسلامی وارد شد. جنازه تعدادی از کشته‌های انسان در میدان تبریز جای ماند. هم چنین غنائمی شامل ۱ قبضه آرمی. پی. ۷، ۲ قبضه سلاح سبک ۱ قبضه تیربار قناص و مقادیر فشنگ و غنایم بدست پیشرگان افتاد. پس از این جنگ ۹ ساعت رفاه، تا عالم محل درگیری را ترک کردند.

پیشرگان گزیده از چهار قبضه مریوان - سقر:

۱. ۲ عملیات همزمان ۲ پایگاه رژیم را مورد تعرض قرار دادند.

شب ۶۴/۲/۲۲ واحد غنائمی از پیشرگان گردان چهار طوسی ۲ عملیات همزمان ۲ پایگاه جمهوری اسلامی را در مسیر جاده مریوان - سقر مورد تعرض قرار دادند. این پایگاه‌ها که به "گوجه کمان" و "گوجه" موسومند به مدت ۱ ساعت زیر آتش موشیک آرمی. پی. ۷، تیربار قناص و سلاحهای سبک پیشرگان قرار گرفته و در نتیجه آن تلفات و غنائمی بر مزدوران رژیم وارد گردید. به پیشرگان آسیبی وارد نشد.

تعرض به پایگاه رژیم در ناحیه مریوان

روز ۶۴/۲/۱۶ پیشرگان کوه‌ناله از گردان کاک فواد با یکساعه فاصله واقع در شرق شهر مریوان و در مسیر جاده مریوان - سقر مورد تعرض خود قرار داده و مزدوران مستقر در این پایگاه را که در محوطه تجمع کرده بودند از ناحیه نزدیکی هدف موشک آرمی. پی. ۷ و سلاحهای سبک خود قرار دادند. در جریان این عملیات که نیم ساعت بطول انجامید حداقل ۱۰ تن از نیروهای رژیم ارتش را کشتند و غنائمی برتاسیمات با یکساعه وارد آمد. پیشرگان پس از آزادی عملیات در میان استقبال گرم اهالی روستاهای اطراف به پایگاههای خود بازگشتند.

ناحیه سقر

پس از ۱۲ ساعت درگیری شدید و سخت، مهاجم نیروهای جمهوری اسلامی به روستاهای حومه شهر سقر در هم شکست خورد و بیش از ۷ تن از مزدوران رژیم از پای درآمد و چندین خودرو و غنائمی آنان ضمیمه گشت.

بدینال درهم شکستن یورش گسترده نیروهای جمهوری اسلامی در روستاهای شمال شرقی سقر و جنوب شرقی بوکان در روز ۶۴/۲/۱۶ و تلفات سنگین نیروهای جمهوری اسلامی در این نبرد، رژیم مدعوما در تلاش برای جبران این شکست

بود. حضور پیشرگان کوه‌ناله در حومه شهر سقر - در محلی که بوسیله پایگاهها و قرارگاههای متعبد جمهوری اسلامی اشغال شده است - مایه نگرانی و هراس دائمی دشمن بود. فرماندهان دشمن برای خنثی کردن اثرات حضور پیشرگان در میان مردم مناطق شرق و وارد کردن ضربات سنگین به رفقهای ما، چندین روز متوالی دست اندرکاران ارتش یورش گسترده‌ای به این منطقه بودند. ستونهای نظامی نیروهای مسلح رژیم از شهرها و استانهای دیگر تهریز و مراغه - سنندج، دیواندره و کامیاران به شهر سقر و پایگاههای اطراف - گسیل میشدند و خود را برای اجرای این طرح آماده میکردند.

غروب روز ۶۴/۲/۲۸ نیروهای تجمع یافته جمهوری اسلامی به حال آماده باش کامل درآمدند و اولین ساعات با میدان در روز ۶۴/۲/۲۹ حمله بزرگ خود را از چند جهت به روستاهای حومه شرق و شمال شرقی شهر سقر آغاز کردند. نیروهای رژیم به چند بخش تقسیم شده و هر بخشی از جهتهای دسته حمله زدند. منطقه عملیاتی شامل روستاهای "تاوه نران"، "مصر - آباد"، "کانی چه زنی"، "آخته"، "آره بقلو"، "پیریتوس" و "لگری" میشد.

پیشرگان کوه‌ناله که از قبل و انتقالات دشمن اطلاع یافته بودند، شب قبل از یورش رژیم تمام ارتفاعات استراتژیک و نقاط حساس را در دست گرفته و

خود را برای نبردی تمام عیار آماده کرده بودند.

اولین درگیری در ۷ کیلومتری شمال شرقی شهر سقز و دیگری از ارتفاعات محل استقرار پیشمگران به نام "ملا محمد" روی داد. این نقطه که اهمیت خاصی در جریان کل درگیری داشت مورد هجوم امواج انسانی توأم با آتش شدید توپخانه دشمن قرار گرفت.

واحد های مقدم دشمن در فاصله چند متری به کمین پیشمگران کومه له افتادند و از همان ابتدا نبردی سخت شروع شد. نبرد در این جبهه به مدت چند ساعت به شدت از فاصله نزدیکی جریان داشت. پیشمگران پس از در هم شکستن چندین حمله سنگین نیرو های دولتی پیشروی آنان را متوقف ساختند.

همزمان با آن در ۲۰ جبهه دیگر یعنی در اطراف روستای "الک لور" و ارتفاعات "هنگله" جنگ سختی در جریان بود که در این نقاط نیز قلیزیم اینک دشمن حملات متعددی را آغاز کرده و تا پایان درگیری ابتدا رقتل همچنان در دست رفقای ما بود. پس از ۳۳ ساعت نبرد سخت و بی دردی با درگیری و شورش نیرو های تمرکز یافته جمهوری اسلامی، توسط پیشمگران کومه له درهم شکسته شد.

در جریان این نبرد بیش از ۷۰ مزدور جمهوری اسلامی کشته یا زخمی شدند و چندین خودرو نظامی آنان منهدم گشت. باقی بلذیکرانست که با توجه به نزدیکی محل درگیری به شهر سقز

اهالی این شهر از همان آغاز نبرد در جریان وقایع قرار گرفتند. مردم دسته دسته در غیابانها و در مسیر آمد و رفت آمبولانسهای رژیم که مدام حنا ره مزدوران و افراد زخمی را از محل درگیری به شهر انتقال میدادند، جمع میکردند. رژیم برای پوشاندن میزان تلفات خود بخشی از جنازه های را به شهرهای تبریز و مراغه انتقال داد که اینهم از چشم مردم پنهان نمائند. در این درگیری ۱۳ ساعت ۲ تن از رفقای رزمنده و کمونیست ما (رفقا سلیمان رحمانی پیشو حزب کمونیست ایران و فرمانده پل و ابوبکر مولودی فرمانده دسته) در اوج شهادت و افتخار جان باختند.

عملیات در شهر سقز

روز ۶۴/۲/۳۱ واحدی از پیشمگران کومه له وارد شهر سقز شده و در ساعت ۳ بعد از ظهر در غیابانهای این شهر حضور یافتند و یکی از اجاشای سرشناس رژیم به نام کریم چته را به رگبار بسته و به هلاکت رساندند. تا سبیده یکی از مزدوران منفورو جانی جمهوری اسلامی در شهر سقز بود.

پیشمگران پس از انجام عملیات سالم به نقاط تعیین شده بازگشتند.

ناحیه دیواندره

پیشمگران کومه له در جریان یک زنجیره عملیات تعرضی علیه نیروها و مراکز جمهوری اسلامی ضربات سنگینی بر آنها وارد ساختند.

۶۴/۲/۲۸ چند واحد از پیشمگران

کومه له از کردان چپا واحدی از مزدوران رژیم را در بین پایگاه نظامی رژیم (دره هوان- درو پانه وشکه) واقع در بخش خورخوره دیواندره بدام انداختند. پیشمگران به مدت ۱ ساعت به با افراد این واحد و افراد مستقر در پستهای تاسمین درگیر شده و پس از به هلاکت رساندن تعدادی از آنها و به غنیمت گرفتن یک قبضه اسلحه سالم به پایگاههایشان بازگشتند محل عملیات با هریک از پایگاههای رژیم تنها ۴۰۰ متر فاصله داشت. ۶۴/۲/۲۸ شبانگاه واحد های دیگری از پیشمگران کردان چپا طی عملیاتی ۲ پایگاه نظامی رژیم در روستاهای "دره هوان و درو پانه وشکه" را زیر آتش سلاحهای نیمه سنگین و سبک گرفتند و به مدت ۱ ساعت آنها را گلوله باران کردند. ۶۴/۲/۳۱ گروهی از مزدوران جمهوری اسلامی که پیشتر در پایگاه "شاقه لا" واقع در بخش خورخوره دیواندره جمع کرده بودند به قصد سر به زدن به پیشمگران کومه له روستای "نرگله" را مورد هجوم قرار دادند. پیشمگران کومه له به مقابله با مزدوران پرداخته و پس از یک ساعت درگیری آنان را وادار به عقب نشینی کرده و تا پایگاههایشان آنان را تعقیب کردند.

۶۴/۲/۳۲ واحدی از پیشمگران کومه له که در منطقه تحت اشغال پایگاههای جمهوری اسلامی در بخش خورخوره دیواندره حرکت میکردند، توسط مزدوران رژیم که بیشتر در ارتفاعات مسیر

در کرمان گرام این تعرض پیروز -
مندان که منجر به مقلای شدن تجمع
قوای حزب دمکرات و غنشی شدن
توطئه یورش آنان گردید، ۲۰ تن از
رفقای پیشمرگ کومه له در اوج
شجاعت و قهرمانی جان باختند و
۲ تن از رفقا نیز به اسارت افراد
حزب دمکرات درآمدند.

ناحیه مریوان

کمین افراد حزب دمکرات
درهم شکست.

۶۴/۳/۶ واحدی از پیشمرگان
کومه له حین عبور از نزدیک
روستای "بودمه" (محل تجمع
نیروهای حزب دمکرات) با کمین
افراد این حزب مواجه شدند.
پیشمرگان بلافاصله به مقابله با
آنان پرداخته و پس از ده دقیقه
کمین افراد حزب دمکرات را غنی
و درهم شکستند. در این رویداد
یکی از پیشمرگان کومه له بدلیل
تاریکی هوا از رفقایش جدا افتاد
و کم شکسته بعداً توسط افراد حزب
دمکرات اسیر شد.

منطقه جنوب گوهستان :

در نبردی ۲۴ ساعتی با متعصبان نیروهای
حزب دمکرات، ضربات سنگینی
بر آنان وارد آمد.

۶۴/۳/۱۳ ساعت ۸ بعد از ظهر
چند واحد از پیشمرگان کومه له در
حرمان حرکت خود در زمین روستا -
های "پس و شه و له" با کمین
نیروهای حزب دمکرات مواجه
گشتند و رفقا برودی کمین آنان
را درهم شکستند و نقاط حساس و
استراتژیک را به کنترل خود
درآوردند.

که به منظور اجرای توطئه های دیگر
و سازمان دادن یورش های علیه
پیشمرگان کومه له در روستای
"دره و بان شیخ" از توابع غور -
خوره دیواندره تجمع قوا کرده
بودند مورد تعرض پیشمرگان
کومه له قرار گرفتند.

پیشمرگان کومه له پس از درهم
شکستن ۲ کمین نیروهای حزب
دمکرات محل استقرار آنان را
تخریب کرده و افراد حزب دمکرات
پس از تحمل تلفاتی به اسارت
درآمدن ۲ تن از آنان توسط
پیشمرگان کومه له، فرار کردند.
همزمان با آن واحدهای دیگری
از پیشمرگان کومه له ضمن پاکسازی
بخشی از روستا، محل تجمع نیرو -
های حزب دمکرات را با موشک
آرپی ۷ و انواع سلاح دیگر مورد
حمله قرار دادند. بدنبال درگیری
سختی که در روستا درگرفت، افراد
حزب دمکرات ناچار به تخلیه
مواقع خود شدند و بطور پراکنده در
داخل روستا و خارج آن پخش شدند.
با مداد روز بعد رفقای ماتپه -
های باشین روستا را که افراد حزب
دمکرات هنگام شب در آن مستقر
گشته بودند مورد حمله قرار داده و
این نقاط را به تخریب کردند.

درگیری تا ساعت ۱۲/۵ ظهر به
شدت ادامه داشت و در این فاصله
یورش نیروهای کمکی حزب دمکرات
نیز درهم شکستند.

در این عملیات حداقل ۱۰ تن
از افراد حزب دمکرات کشته یا زخمی
در میان کشته های حزب دمکرات
چنانچه ۲۰ تن از فرماندهان آنان
دیده میشود.

در کشتان مستقر شده بودند، زیر
آتش خمپاره انداز سلاخهای دیگر
قرار گرفتند. پیشمرگان بصورت
آرایش مناسب را گرفته و
مواقع دشمن را در بلندپایه مورد
تعرض قرار دادند. پس از نیم
ساعت درگیری نیروهای دولتی
به پایگاههای خود عقب رفتند.

۶۴/۳/۱۵ واحدی از پیشمرگان
کومه له - گردان چپا - که در مسیر
روستا های "شاقه لا" و "نرگله"
از توابع غور خوره در حرکت بودند
با کمین نیروهای جمهوری اسلامی
برخوردند. بعد از یک درگیری
کوتاه، کمین مزدوران درهم
شکست و رفقای ما نیروهای دشمن
را تا پایگاه "شاقه لا" وادار به
عقب نشینی کردند و سپس به
حرکت خود ادامه دادند.

در مجموع درگیریهای پیشمرگان
گردان چپا با نیروهای دولتی که
طی این چند روز به وقوع پیوست
تعدادی از افراد رژیم را بر پای
درآمده و خساراتی به تأسیسات
نظامی رژیم وارد آمد. در این
درگیریها هیچ گونه آسیبی به
رفقای ما وارد نشد.

■ ■ ■

۴. در چینه نبرد با

حزب دمکرات

ناحیه دیواندره

تعرض پیشمرگان کومه له بر
مراکز تجمع نیروهای حزب
دمکرات در غور خوره، دیواندره

۶۴/۳/۱ نیروهای حزب دمکرات

پس از آن نیروهای حزب دمکرات مستقر در روستاهای اطراف بسوی ارتفاعات محل درگیری برآه افتادند. در جنگی سخت و سگرمه سنگری که تا صبح روز بعد ادامه داشت یورش افراد حزب دمکرات در هم شکسته شد و تلفاتی برآنان وارد آمد.

پیشمرگان کومه له، همچنان بر تمام منطقه درگیری مسلط بودند.

در با محاذ در ویرجین و یورش محدد افراد حزب دمکرات خنثی شد و تا ساعت ۸/۵ بعد از ظهر درگیری به صورت پراکنده ادامه یافت. در جریان این نبرد ۲۲ ماعه ۷ تن از افراد حزب دمکرات کشته شدند که عماره ۳ تن از آنان در میدان نبرد با ماند.

همچنین در این نبرد، یکی از رفقای ما شهادت رسید.

تعرض پیشمرگان کومه له، به مرکز تجمع نیروهای حزب دمکرات در سرشیوسفز

بدینال شکست بزرگ نیروهای حزب دمکرات در نبرد هیجده هم اردیبهشت (به رمالاس) رهبری این حزب با رهم نیروی زیادی را از مناطق مختلف کردستان به سرشیوسفز کشاند و توطئه یورش دیگری بر پیشمرگان کومه له را در برداشت. پیشمرگان کومه له به منظور خنثی کردن توطئه حزب دمکرات در سه شب ۶۴/۳/۱۴ مرکز تجمع نیروهای حزب دمکرات را در روستاهای "سورده مو" و "تایر" سرشیو مورد تعرض قرار دادند و از

دو سویا پگاه نیروهای حزب دمکرات در نزدیکی این روستاها را مورد تعرض قهرمانانه قرار دادند و بروی برخی از این ارتفاعات مسلط گردیدند. در اولین تعرض تعدادی از افراد حزب دمکرات کشته و زخمی شده و بقیه پس از مقاومتی کوتاه، سراسیمه از میدان نبرد گریختند، بدین ترتیب پگاه بزرگ حزب دمکرات در این محل کاملاً به تصرف رفقای ما درآمد و مقداری اسلحه و مهمات و سیسیم و وسایل دیگر بدست پیشمرگان کومه له افتاد. عماره ۹ نفر از افراد حزب دمکرات در میدان جنگ کشته شده بود.

بدینال پیروزی دلیرانه و سریع پیشمرگان کومه له نیروهای حزب دمکرات مستقر در روستاهای "سورده مو" و "تایر" بسوی پگاه راه افتادند که آنها سیر در یکی از ارتفاعات محل به کمین پیشمرگان کومه له افتادند و بعد از چند دقیقه سیردین نیروهای کمکی سیربا تحمل چندین کشته و زخمی ناچار از عقب نشینی شد. در ساعت ۷ صبح پیشمرگان کومه له که طرح تعرضی خود را پیروزمندانه به انجام رسانده بودند محل درگیری را ترک کردند.

در جریان این نبردها حداقل ۱۰ تن از افراد حزب دمکرات به هلاکت رسیدند و یک نفر از آنان به اسارت رفقای ما درآمد. در گروما گرم این نبرد، دوتن از رفقای ما شهادت رسیدند.

۶۴/۳/۲۰ همچنین نیروهای حزب دمکرات در جنوب کردستان، محدد

در شیلیر مجتمع شده و دست به نقل و انتقالات وسیعی زدند؛ و غروب روز ۶۴/۳/۱۹ بقصد ضرب زدن به پیشمرگان کومه له، به سمت ارتفاعات روستای "برده رشه" در ناحیه سقربا افتادند.

یورش نیروهای حزب دمکرات روز ۶۴/۳/۲۰ در شاربلی آغاز شد که پیشمرگان کومه له برای مقابله در آمادگی کامل بسر میبردند. این یورش بروی درهم شکست و تعرض متقابل رفقای ما آغاز شد. استقرار پیشمرگان کومه له در ارتفاعات منطقه و تعرض جورانه آنان، نیروهای حزب دمکرات را وادار به عقب نشینی کامل و فرار نمود.

نیروهای حزب دمکرات، در غروب این روز نیز، حمله محددی صورت دادند که این تهاجم هم با تحمیل تلفاتی به آنان درهم نکست. در درگیری های این روز هیچ آسیبی به رفقای ما وارد نیامد.

یورش مشترک مزدوران جمهوری اسلامی و افراد حزب دمکرات به پیشمرگان کومه له، پس از ۱۴ ساعت جنگ شدید درهم شکسته شد.

روز ۶۴/۳/۱۹ هنگامیکه پیشمرگان کومه له - گردان ۲۶ سقرا نبرد حماسی خود با نیروهای جمهوری اسلامی در بخش فیض الله بیگی سقرا میگشتند در روستاهای بخش سرشیوسفز مورد یورش همزمان و هماهنگ نیروهای جمهوری اسلامی و حزب دمکرات قرار گرفتند.

تلاش حزب دمکرات برای ضربه زدن به گردان ۲۶ سقز، در روز بهشت پی نتیجه مانده بود و عملیات آنان در روز قبل دور دروستی است "که دولان" پس از ۳ ساعت درگیری سخت در هم شکسته و مواضعشان به وسیله رفقای ما تصرف شده بود. همچنین در روز قبل نیروهای جمهوری اسلامی با نیروی امنانی گشتری مرکب از جاش و پاسدار و ارتشی که از شهرهای سنندج، سقز، مابین قلعه و تکاب جمع آوری شده بود پیروز گشته و روستاهای "گفتولان، دهره سماله و دهره وزان بالا" در بخش سریشو ستونیکه پیشمرگان کومه له در آنجا بودند - شروع کرده بودند.

درگیری دوساعت ۵ صبح روز ۱۳۴۴/۳/۱۰، در غالی شروع شد که واحدهای از مزدوران جمهوری اسلامی به کمین پیشمرگان کومه له ایجاد بودند. مزدوران رژیم تمام امکانات تبلیغاتی خویش را برای کوبیدن مواضع پیشمرگان بکار می گرفتند و با روشن شدن هوا ستون بزرگی شامل ۳۰ غسودرو نظامی وارد میدان عملیات گوید. پیشمرگان ضمن در دست گرفتن ایتکار عمل تهاجم مزدوران را متوقف کردند و در گرمای گرم چمن نبردی نیروهای حزب دمکرات نیز زجبه های دیگر بر سر پیشمرگان کومه له پورش آوردند و ضمن استقرار چند ارتفاع مواضع پیشمرگان کومه له را مورد هدف سلاحهای خود گرفتند. جهت عمده حملات افراد حزب دمکرات متوجه روستای "که دهره - سیا" بود، که پشت جبهه پیشمرگان

۹ تن دیگر از افراد به اسارت در آمده حزب دمکرات آزاد شدند. طی روزهای ۲۵ اردیبهشت و ۱۱ خرداد ماه، ۹ تن دیگر از افراد مسلح حزب دمکرات که در جریان نبردهای میان نیروهای کومه له و حزب دمکرات در مناطق مکریان و جنوب کردستان به اسارت پیشمرگان کومه له در آمده بودند، بنابه سیاست انقلابی کومه له در بر خورده اسرای جنگی از زندان آزاد شدند. یکی از آزاد شده گن دا و طلب پیر ستی به پیشمرگان کومه له شد که تقاضای وی مسعود قبول واقع گردید.

کومه له در نبرد علیه نیروهای جمهوری اسلامی را تشکیل میداد. پیشمرگان کومه له فرماندهان همچون سدی استوار در این جبهه نبرد نیز به مقابله با توطئه خائنانه حزب دمکرات پرداخته و پورش آنان را متوقف کردند، و امکان هرگونه پیشروی را از آنان سلب نمودند. در تماس افراد حزب دمکرات با مزدوران جمهوری اسلامی از طریق بیسیم افراد این حزب آشکارسا را شادمانی خود از همدستی با جمهوری اسلامی بر علیه کومه له ابراز میداشتند. نیروهای حزب دمکرات تلاش زیادی به خرج دادند تا با همکاری مزدوران جمهوری اسلامی با وارد کردن ضرباتی سخت بر پیشمرگان کومه له، شکستهای اخیر خودشان را تلافی کنند. اما این با هم جز شکست مفتضحانه ای عایدی نداشتند. نیروهای جمهوری اسلامی بعد از اینکه متوجه شدند که افراد حزب دمکرات

در درویشی با پیشمرگان کومه له کاری از دستشان ساخته نیست، ستونی مرکب از ۳۰ غودروا که مجهز به ۲ قبضه توپ ۱۰۵ و انواع مسلسل سنگینی بود وارد میدان عملیات کردند. این ستون از طریق جاده مریوان - سقز به پایگاه "کچل مگان" رسید، اما بدلیل وجود یک رودخانه بزرگ در مسیر خود قادر به پیشروی به خست نگریده و از همانجا محل استقرار رفقای ما را بر آتش سلاحهای سنگین خود گرفتند.

نبرد تا ساعت ۶/۵ بعد از ظهر به مدت ۱۲ ساعت ادامه داشت. از این ساعت به تدریج نیروهای جمهوری اسلامی مواضع خود را تخلیه کرده و بطور کامل عقب نشینی کردند. در این درگیری سخت و طولانی دهها تن از مزدوران رژیم کشته یا زخمی شدند. از میزان تلفات حزب دمکرات اطلاع دقیقی به دستمان نرسیده است.

۳ تن از رفقای ما بر اثر ترکش غبار مهجور شدند که یکی از آنها به نام احمد مهدی ۲ روز بعد بر اثر شدت جراحت وارده شهید شد. مردم روستاهای منطقه درگیری که شاهد همکاری و همدستی خائنانه و آشکار حزب دمکرات با مزدوران جمهوری اسلامی بر علیه پیشمرگان کومه له بودند، بعد از اتمام نبرد و بازگشت رفقای ما به این روستاها، در حالیکه تنفر و انتقام عمیق خود را از این عمل خائنانه حزب دمکرات ابراز می داشتند، بگرمی پیشمرگان کومه له را مورد استقبال قرار دادند.

در روز اول ماه مه - روز جهانی کارگر - شهرسندج به حالت نیمه تعطیل درآمد.

هنوز چند روز به ۱۱ اردیبهشت مانده بود که رژیم به تمام نیرو - های انتظامی آمادہ اش اعلام کرده بود. حرکت موتورسکلت ها منع گردید و بدین شیوه از همان ابتدا رژیم وحشت خود از اول ماه مه را به عیان نشان داد. از طرف دیگر مردم مرتباً به صدای انقلاب ایران و صدای حزب کمونیست ایران گوش فرا میدادند و برنامہ ها یی را که به بحث پیرامون روز کارگر اختصاص داده شده بود به دقت تعقیب میکردند. برخی شعرا و فراخوانهای حزب کمونیست بر دیوارهای شهرنوشته شده بود.

روز دهم اردیبهشت مردم دسته دسته در کوچه و خیابان و محل به هم میرسیدند و میگفتند فردا روز کارگر است و کار تعطیل است. این مسئله مزدوران رژیم را بیش از پیش به وحشت انداخته بود.

در روز اول ماه مه کارخانه ها و کارگاههای بزرگ و کوچک تعطیل شدند و مغازه های زیادی به حال تعطیل درآمد. صنایع فلز و کمد سازیها، جوشکاریها، آلومینیوم سازان، صنایع چوب بری و... در این روز تعطیل بودند. علاوه بر این تعدادی از کارگران شرکت های دولتی مانند مخابرات، شهرداری و... در این روز بر سر کار حاضر نشدند.

در سطح شهر نیز در خیابان و محلات جامی، مردوخ، استانداری،

خیابان شهدا، فیض آباد، چهار باغ، عباس آباد، گلشن، میدان نبوت، ژاندارمری، شریف آباد حاجی آباد، ادب، بیمارستان و چند خیابان و محله دیگر، فروشگاهها و مغازه ها به حالت تعطیل و نیمه تعطیل درآمدند. کارگران شهرسندج همراه با مردم زمختش و ستمدیده محلات فقیرنشین شهر به خانه همدیگر رفته و در محافل خانوادگی ضمن شاه باش این روز به همدیگر، آنرا جشن گرفتند. به مناسبت اول ماه مه هنگام شب بر فراز قلعه کوه آبیدر که تسلط بر شهرسندج است، و نیز بر روی گردنه ملوات آباد، توسط مردم آتشهایی به نشانه گرامی داشت روز کارگر افروخته شد که تا پاسی از شب همچنان روشن بود.

رژیم برای منحرف کردن ذهن کارگران و مغشوش کردن جنبه طبقاتی وجهانی روز کارگر، مراسمی در سالن غذاخوری کارخانه پوفاک شهرسندج برپا کردند که تنها تعداد معدودی و آنهم عمدتاً از کارفرمایان و حسابداران در آن شرکت کردند. رژیم با پرداخت جایزه و اعانه تلاش کرد به این مراسم فرمایشی رنگ و روایی بدهد که تلاش و ناکام ماند.

در کارخانه شاهوتر اکتشای زیادی بخش، و یا به دیوار سالن غذاخوری نصب شده بود که اکثر آنها شعراهای حزب کمونیست

ایران مانند "آزادی زندانیان سیاسی" و "قطع فوری جنگ" بودند.

در این روز استاندارمزدور کردستان به کارخانه شاهورفت اما به محض ورود به سالن کارخانه، کارگران آنجا را ترک کردند. در نتیجه شرمگین و سراسیمه از کارخانه بیرون رفت. البته برای نشان دادن خشم خود از این "بی توجهی" کارگران حین خروج از کارخانه گفته بود: کمونیستها در کارخانه نفوذ کرده اند.

لازم به توضیح است که روز بعد یعنی دوازدهم اردیبهشت ماه عده ای از پاسداران به کارخانه شاهورفته و به کارگران گفته بودند در میان شما کارگران کمونیست هست، باید آنها هرچه زودتر از کارخانه ببرند.

■ ■ ■

بقیه از صفحه ۲۸

شیوه های دیگری در تهیه جدول رمز را می توانید با استفاده از برنامه ویژه رهنمودهای حزب برای فعالیت مخفی در شهرها که هر هفته از مدای انقلاب ایران پخش میشود (و یا برنامه های صدای حزب کمونیست ایران) به موزید و بکار گیرید.



گرامی باد یاد

جانب‌آختگان راه سوسیالیسم

گرامی باد یاد کمونیست انقلابی،
رفیق حسین حمزه‌روشی
(جلیل سیسر)

رفیق حسین حمزه‌روشی (جلیل سیسر) در سال ۱۳۳۸ بدنبال آمد و فکرو محرومیت زحمتکشان کردستان را از همان آغاز در خانواده خود تجربه کرد.

او که تحصیلات خود را تا دوم دبیرستان در زادگاهش سپهرو شهر سرشت دنبال کرده بود، برای ادامه تحصیل در دانش‌سرای مقدماتی به شهر مهاباد رفت. کسب دانش برای زحمتکشان خود با مشقتی فزون در زندگی همراه است و برای جلیل نیز تعطیلی تابستانی مدارس زمانی که به کارگری میپرداخت و هزینه تحصیلات ماهی آن‌ها را تا آن‌ها می‌کند.

جامعه سیاسی سال ۵۷، رفیق جلیل را به سیاست کشاند و از او به عنوان زحمتکشی محروم و معترض یک فعال اعتراضات و مبارزات مردم ساخت. او در همان حال از هر فرصتی برای دیدار از مردم منطقه خود و انتقال آنچه خود آموخته بود به آنان نیز استفاده کرد.

در گرما گرم قیام مردم شهرها

در اوایل بهشت‌گردان کمونیست و انقلابی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران که در راه سوسیالیسم، در دفاع از دموکراسی انقلابی و در دفاع از حق خلق کرد در تعیین سرنوشت خود، جان خود را در کردستان انقلابی از دست دادند.

* *

اسامی شهدای اردیبهشت و خرداد ماه ۱۳۶۴

(۱) محمود احمدزاده (محمود قنانه) بهشت‌گردان جورگومه
(۲) رحیم موالو که در روز ۶۴/۲/۲۲ در درگیری با نیروهای حزب دمکرات در منطقه مکران جانباختند.

(۳) سلیمان رحمانی (پیش‌عضو که در نبرد با نیروهای جمهوری حزب کمونیست و فرمانده پهل) اسلامی در ناحیه سقز، در (۴) ابوبکر مولودی (ابوبکر ۶۴/۲/۲۹) جانباختند. پناه (فرمانده دسته

(۵) احمد مهدی (پیش‌عضو که در مقابل با تعرض مشترک حزب کمونیست و

نیروهای جمهوری اسلامی و حزب دمکرات بر بهشت‌گردان کومه‌له در سرشوش سقز زخمی شد و پس از دو روز در تاریخ ۶۴/۳/۲ جانباخت.

(۶) جعفر قادی (مظفر میمنه‌ای) که در درگیری با نیروهای پیش‌عضو حزب کمونیست و معاون حزب دمکرات در ناحیه دیواندره طی روزهای اول و دوم خرداد ۶۴ جانباختند.

(۷) عطا محمدنژاد

(۸) رحمان قادی

(۹) حمید نجومی (سعید فارس)

اوبا کومه له آشنا شود و جمعیت دفاع از حقوق خلق کرد شرکت داشت. اوبا آغا را اولین مرکزهای دهقانان منطقه کوک در آهنگل



آنان کوئید و سپه راه رفقای خود، اتحادیه دهقانان منطقه را ایجاد کرد. ارتباط وسیع و محبوبیت به او امکانات وسیعی در سازماندهی مبارزات آنان میداد...

با بیست و هشت سال و بهنگامی که یورش گسترده و جدید از سوی جمهوری اسلامی کردستان را تهدید میکرد، رفیق جلیل بهمن پیشمرگان کومه له پیوست و بعنوان مسئول سیاسی - نظامی یکدسته از پیشمرگان کومه له به ناحیه بان - ربط رفت. او اکنون امکان یافته بود که به عنوان پیشمرگ کومه له، بسا توده های رنج کشی که زندگی و مبارزاتشان را میباشاخت وجود را وقف مبارزات آنان کرده بود، در این منطقه سرپیوند برقرار کند؛ در میان آنان بکار آگاهتران به سردار دوبا شرکت مستقیم خود در عملیاتی چون درهم شکستن ستون نظامی جمهوری اسلامی در داسویس

۱۰) انور هاشمی شمس (پیش عضو حزب کمونیست و معاون دسته)

که در روز ۶۴/۳/۱۳ در سرشیز سقز و درگیری با نیروهای حزب دمکرات جان باخت.

۱۱) سیروس صادقی (دکتر سیروس) که در تفرش پیرو رنجید

عضو حزب کمونیست و معاون دسته پیشمرگان کومه له به مسلسل

۱۲) عبدالله حسن آبادی (جمع نیروهای حزب دمکرات در جنوب کردستان در روز ۶۴/۳/۱۳ جان باختند.)

نام این رفقا نیز قبلاً به چاپ نرسیده بود.

۱۳) محمد شریف رضایی (فراد قربان)

که در درگیری روز ۶۴/۱/۱۱ با نیروهای حزب دمکرات در جنوب کردستان به اسارت حزب دمکرات درآمد و در اسارت اعدام شدند.

در لیست جا تنها هتگان در شاره گذشته مورد زیر به بین ترتیب اصلاح میشود.

محمد امین باقری (محمد امین حاجی آباد)

کنگره به ناحیه بان و ربط و فعالیت او در سمت عضو کمیته ناحیه بان و سپس مسئولیت کمیته تشکیلات روستایی این نواحی، امکانات بیشتری در پیوند و هدایت توده های رنج کش در اختیار او نهاده و در این راه، اکنون استعداد و سیاستهای کومه له که در کنگره دوم تدقیق شده بود را همتای او نبود. از با پیوستن او به ناحیه بان سال ۶۰ تا تابستان سال ۶۱ نیروی مسئول کمیته تشکیلات روستایی ناحیه سردشت بود. او محل اغصابه و انگای توده های مردم محروم این نواحی بود که همواره در میان نشان حضور داشت و هرگاه که مدتی در ناحیه بیدار پیش

نصرف با نگاه ربط و قولتی و... در خلق شموله های از قدرت نظامی زحمتکشان کردستان شریک باشد برای رفیقی چون جلیل که پیوندی عمیق با مردم زحمتکش داشت، آگاهگری مردم زحمتکش و سازمان دادن مبارزاتشان مشغله دائم او بود و خود نمیسوزد ای از رزمندگی و فداکاری پیشمرسرگ کومه له بود. یکسال کافی بود که ناپستگی عضویت در کومه له را بیابد او در زمستان سال ۵۹ به عضویت کومه له درآمد و در بهار سال ۶۰ شرکت کننده کنگره دوم کومه له بود.

با زکات، رفیق جلیل پس از

بود، از ارزرقایش سرارغ میگرفتند، بهار سال ۶۱ رفیق جلیل درکنگره سوم کوهله شرکت کرد پس از کنگره و تا تابستان سال ۶۲، رفیق جلیل درست فرماندهی پل، عملیات نظامی متعددی را علیه سرکوبگران جمهوری اسلامی سازمان داد و رهبری کرد. اما فعالیت نظامی کمترین گسستی در پیوند او با مردم زحمتکش بوجود نیاورد.

پس از تشکیل حزب کمونیست ایران، در بهار سال ۶۲، رفیق جلیل به ناحیه پیرانشهر اعزام گردید و در همین ناحیه بود که از سوی اعضای حزب در ناحیه، بعنوان عضو کمیته ناحیه انتخاب گردید. او مدت ۶ ماه در این مسئولیت فعالیت کرد و در این ناحیه نیز، بزودی به شخصیتی آشنا در میان مردم بدل شد. او همچنین بعنوان یک عضو کمیته ناحیه، شاخصی از فعالیت، مسئولی نا پذیر در تبلیغ اهداف و سیاستهای حزب، در میان رفقای تشکیلاتی اش بود و خصوصیات فردی برجسته اش - پل فشناری موگدش بر دیسیلین تشکیلاتی، تلاش اش در ارتقا سیاسی رفقای حزبی، و پیوند محکم و سیاسی اش با زحمتکشان - بر اعتبار و نفوذش در تشکیلات شیر، می افزود.

با برگزاری اولین دوره مدرسه حزبی اکتبر - در بهار ۶۳ - او به این مدرسه راه یافت و با موفقیت این دوره را به پایان رسانید. پس از آن منطقه برسنسور مراعات کرد، مدتی مسئولیت کمیته بخش آلان سردشت را عهده دار

شد و سپس فرماندهی پلی ارزرقای پیشروک به او سپرده شد.

رفیق جلیل تا زمان شهادتش در همین مسئولیت فعالیت نمود. و سرانجام در درگیری با نیروهای حزب دمکرات در روستای گندل در ناحیه بانه به همراه ۵ تن دیگر از رفقای سازمان کردستان حزب میا جان خود را فدا کرد.

هنگامی که رادیو صدای انقلاب، خبر شهادت رفیق جلیل را در درگیری روز ۶۴/۱/۱۳ با نیروهای حزب دمکرات، اعلام کرد؛ زحمتکشان منطقه برسنسور و

گرامی باد انقلابی کمونیست، رفیق نصرالله بهمنی

روز ۲۵ آبان ماه سال ۶۳، در جنگ ارنجانی حزب دمکرات علیه پیشروگان کوهله در اورامان، ۱۳ تن از رفقایمان توسط این حزب، با سمیت گشتا شدند. یکی از این رفقا، رفیق نصرالله بهمنی معروف به "ما منه نه" کادر آگاه و فداکار کوهله و جبهه محسوب زحمتکشان اورامان بود که در اسارت و در حالیکه زخمی بسود بدست جنا پتکاران حزب دمکرات اعدام شد.

رفیق نصرالله بهمنی (ما منه نه) در سال ۱۳۳۲ در روستای "بله‌مدان" واقع در ناحیه اورامان چشم بجهان گشود. تا ششم ابتدایی در نوسود تحصیل کرد و پس از آن ترک تحصیل نمود.

بخصوص زحمتکشان گورک سردشت - که از زمینه‌شان برخاسته بود - با این واقعیت مواجه شدند که برای مصیبتی، آموزگاری آگاه و رهبری توانا را از دست داده‌اند. در مراسمی که در بزرگداشت او در "سهر" برپا شد؛ زحمتکشان منطقه سردشت، از هر سو افتادند و این مراسم را به اجتماع می در ابراز نفرت عمومی نسبت به حزب دمکرات بدل ساختند.

□ □ □



در سال ۴۷ خانواده اقوام و بستگان رفیق نصرالله نسبت تعقیب ساواک قرار گرفتند، و شماری از آنان دستگیر و اسددام شدند. این امر کمیته محیق نسبت به حکومت شاه را در رفیق نصرالله برانگیخت و زمینه مساعدی برای فعالیت سیاسی او بوجود آورد.

او در سال ۵۵ جهت ادامه تحصیل به کرمانشاه رفت. در رشته مکانیک به تحصیل پرداخت. پس از اتمام تحصیل به سرپازی رفت و دوران سرپازی او مصادف با

انقلاب سال ۵۷ شد. رفیق نصرالله در میان سربازان در دفاع از حقانیت انقلاب به تبلیغ پرداخت و آنان را بغیر از ایدادگانها و مراکز نظامی و بیپوشتن به مردم انقلابی دعوت میکرد. و همچنین اعلامیه‌هایی علیه رژیم سلطنتی در میان سربازان پخش مینمود. پس از چندی خود نیز از ایدادگان گرفت و با مبارزات مردم کرمانشاه و با و همراه شد.

در این دوره، رفیق هنوز تصور میکرد که میتوان از طریق مذهب و همراه نیروهای سیاسی - مذهبی به استثمار و فقر در جامعه پایان داد. اما دیری نگذشت که پی برد مذهب وسیله‌ای است در دست استثمارگران و استثمارچندین مردم و ابزاری است در دست جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب رفیق نصرالله بهار کمین روی و رشود به هواداری از کومه له برخاست و پس از چندی با کومه له پیوند برقرار نمود.

در نوروز سال ۵۹، رفیق نصرالله به صف پرافتخار ریشمرگان کومه له پیوست در بهار سال ۶۰ به ناحیه کامیاران اعزام شد و مسئولیت مقری از ریشمرگان کومه له را عهده‌دار شد. در آذربایجان همان سال به اورامان فرستاده شد و مسئولیت مقر کمیت ناحیه، به او سپرده شد. او در برپایی جلسات سیاسی، و ترتیب کنفرانسها و سخنرانیهایی پیگیر و در تبلیغ بین مردم زحمتکش ناحیه، و شرکت در اجتماعات مردم و ارائه رهنمودهای مبارزاتی به آنان همواره

در تکانها پیوسته بود. او در آگاهگری زحمتکشان و در حل مشکلات زندگی و مبارزه شان سختی نمی شناخت، و از همین رو نیز چهره محبوب و مورد اعتماد عمیق مردم زحمتکش بود. در بهار سال ۶۱ مسئولیت سیاسی یک دسته از ریشمرگان کومه له در منطقه ژاوه رود به او سپرده شد و پس از مدت کوتاهی بعنوان پیش عضو کومه له برگزیده شد. پس از آن به مریان اعزام شد و در آنجا نیز در سمت مسئول سیاسی دسته به فعالیتش ادامه داد.

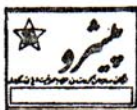
در بهار سال ۶۲ به تقاضای کمیته منطقه سرشنور، رفیق آگاه و توانا، نصرالله به ناحیه بانه اعزام شد و در آنجا نیز مسئول سیاسی یک دسته از ریشمرگان کومه له بود. او در میان رفقای پیشمرگ، محبوبیتی خاص داشت. آموزگار سیاسی آنان، و پیشرو مبارزه کمونیستی در میان آنان و محصل اعتماد وسیع آنان بود.

در بهار سال ۶۳ رفیق نصرالله رسماً به عضویت حزب کمونیست دست یافت. او همچنین، در دهها نبرد کوچک و بزرگ علیه اشغالگران جمهوری اسلامی، در نواحی مختلف کردستان شرکت داشت. و نبردهای بهار ۶۳ در مریان، جنگهای ژاوه رود، جاده بانه - سردشت و در شهر بانه در تابستان ۶۳، جنگ آلان سردشت عرصه رزمندگی او بودند. مهارت رفیق نصرالله در فعالیتهای نظامی مهارت در فرماندهی رفقای تحت مسئولیتش به پیشمرگان توان و نیرویی بیشتری می بخشید.

بازیز سال ۶۳، به ناحیه اورامان اعزام شد. و این برای زحمتکشان این ناحیه که رفیق چهره‌ای محبوب در میان آنان بود با خوشوقتی بسیار همراه بود. رفیق نصرالله یکی از کادرهای پیشرو حزب مابود؛ رفیقی که از دلسوزترین و با ایمانترین رفقای ماب به شمار می آید و پس وقفه در خدمت حزب و اهداف و مسائلی طایفه کارگرم بود.

آخرین میدان نبرد قهرمانانه رفیق، مقاومت در برابر توطئه - گران و مهاجمان حزب دمکرات در اورامان بود. روز ۲۵ آبان ۶۳ رفیق نصرالله در برابر هجوم افراد حزب دمکرات قهرمانانه جنگید. در آشنای نبرد دومی شد و به اسارت حزب دمکرات در آمد و بدست این جنایتکاران اعدام گشت.

او که مبارز پیگیر، راهسویالیم و دمکراسی بود و سالها علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرده بود، اکنون در نبردهای گروهی دیگر از حافظان اعتناق وستم و استثمار سرمایه داری از پای در آمده بود. یادش گرامی باد!



هیأت تحریریه:

- جعفر شفیعی
- صدیق کمانگر
- کورش مدرسی

کارگران جهان متحد شوید!

نگاتی پیرامون وضعیت نظامی ما در سال گذشته*

سال ۶۲ را جمهوری اسلامی سال
بکسر کردن "عاقله کردستان"
میدانست. آن زمان در آستانه
سال نو، وجود شرایط معینی در
جغرافیای نظامی کردستان این
توهم را در جمهوری اسلامی تقویت
میکرد، چراکه بخش وسیعی از
مناطق آزاد توسط جمهوری اسلامی
اشغال گردیده بود، محورهای
اصلی و بیشتر محورهای فرعی در
اختیار روی قرار داشتند، علاوه بر
این تمام شهرها و مراکز پرجمعیت
و مهم روستایی نیز قبلاً اشغال شده
بودند و جمهوری اسلامی نیروی
بزرگی را در سراسر کردستان مستقر
کرده بود. و در این سوی مرزها
جنگ، جنبش انقلابی و مسلحانه
با از دست رفتن مناطق آزاد و اشغال
شدن بخش اعظم کردستان توسط
جمهوری اسلامی، دچار تضعیفات
جدیدی گردیده بود. در پایان سال
۶۲ در نتیجه "تفرقات گسترده"
سراسری جمهوری اسلامی به کردستان
تنها مناطق آزاد محدودی - آنهم
بصورت جزایری پراکنده در میان
مناطق اشغال شده - در دست
نیروهای پیشمرگ باقی مانده
بود. از منطقه "مکریان" که
شهرهای مهاباد، بوکان، سنقر و
بقیه در صفحه ۲۱

پیشمرگان کومه له طی ماه گذشته در برخی از عملیات خود:

○ در ناحیه دیواندره ضربات سنگینی بر نیروهای
رژیم وارد ساختند.

○ تهاجم نیروهای رژیم را در روستاهای حومه
شهر سنقر درهم شکستند؛ بیش از ۷۰ تن از
مزدوران رژیم از پای درآمده و چندین
خودرو نظامی آنان منهدم گشت.

○ در داخل شهر مریوان قرارگاه جنداله را زیر
ضربات خود گرفتند.

○ یورش همزمان نیروهای رژیم و حزب دمکرات
را در سرشیو سنقر درهم شکستند.

○ به تعرض موفقیت آمیز بر مراکز تجمع
نیروهای حزب دمکرات در خورخوره
دیواندره و سرشیو سنقر دست زدند.

(مشروح اخبار را در صفحات ۲۹ تا ۳۵ بخوانید)

زنده باد سوسیالیسم!